

اعلام همبستگی احزاب کمونیست و کارگری آسیا و اقیانوس آرام با زندانیان سیاسی ایران

دفاع از آزادی و استقلال میهنشان به زندانیان افتخار دهند، شدیداً محکوم می‌کنیم و خواستار آزادی هرچه سریع‌تر همه زندانیان سیاسی ایران هستیم.

حزب کمونیست آمریکا، حزب کمونیست سربلانکا، حزب متحده سوسیالیست ژلاندنو، حزب سوسیالیست استرالیا، حزب کمونیست بنگلادش، حزب کمونیست هند، حزب کمونیست فیلیپین، حزب کمونیست هند (مارکسیست)، حزب کمونیست کانادا، حزب کمونیست اندونزی، لیگ کمونیست اتحادیه کمونیست‌های استرالیا، حزب کمونیست نیپال، حزب کمونیست پاکستان و حزب دمکراتیک خلق افغانستان ●

دهها هزار نفر از اعضا و هواداران حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، سازمان مجاهدین خلق ایران و دیگر سازمانهای مترقی و دمکراتیک ایران سالهاست که در زندانهای جمهوری اسلامی ایران تحت شکنجه‌های قرون وسطایی و بدون برخورداری از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی و قانونی خودسرانه می‌برند. تاکنون بیش از ده هزار نفر اعدام و یازده هزار شکنجه‌کشیده شده‌اند. شرایط دشوار و غیرقابل تحمل برای زندانیان و فشارهای جسمی و روانی بر آنان روز بروز شدیدتر می‌شود. اما مآذکنندگان، اعمال ترور و شکنجه و نقض ابتدایی‌ترین حقوق انسانی نسبت به میهنپرستان در بندهای ایرانی را که بخاطر عقاید انسانی دوستانه

سیاست ادامه جنگ و انزوای جهانی رژیم خمینی

شورای امنیت سازمان ملل متحد، در آخرین نشست خود در ۳۰ تیرماه، قطعنامه‌ای را دربارۀ جنگ ایران و عراق به تصویب رساند. تصویب این قطعنامه که به دنبال ماهها مذاکره میان ۵ عضو ثابت و دائمی شورای امنیت و توافق اولیه آنان صورت می‌گیرد، برای اولین بار در سالهای اخیر است که همه اعضای شورا در تصویب آن اتفاق رأی می‌یابند، و اجاد اهمیت سیاسی جدی است. اقدام یکپارچه شورا در صدور این قطعنامه در تاریخ فعلیت‌های سازمان ملل متحد و قطع جنگ ۷ ساله ایران و عراق، کاملاً بیسابقه است. تا این زمان، مقاومت دولت ریگان و نزدیکترین متحدان آن در مانع از آن بوده که شورا چنین قاطعیتی علیه جنگ اعلام موضع کند. ارتجاعی‌ترین محافل امپریالیستی آمریکا و جهان به رهبری دولت ریگان از ادامه جنگ در جهت تقویت مواضع امپریالیسم در منطقه بیشترین بهره را برده‌اند. دولت ریگان هم‌اکنون نیز با توسل به همین بهانه، بزرگترین ناوگان جنگی پس از جنگ دوم جهانی را به منطقه خلیج فارس گسیل کرده است. اما حالا واقع در مقامی با گذشته دستخوش تغییراتی شده است. بنحوی که ریگان را واداشته است پای این قطعنامه را امضا کند. در سال گذشته ریگان برای کردن آخوندها در بریدنال "واقع بین‌های حکومت" به سرور اخ رژیم سرب می‌کنید تا به آخوندها بفهماند که امپریالیسم آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی حسن ظن دارد و چنین آند و وجه مشترک آنقدر زیاد است که آنها را محکوم به پیوستن می‌دهد. در همین رابطه دهها میلیون دلار اسلحه تحویل جمهوری اسلامی داد. تلاشهای آمریکا با استقبال جمهوری اسلامی روبرو شد. چرا که سران رژیم در شکیبایست نزدیکی به غریبه برای جلب حمایت آمریکا تلاش می‌کردند. اما امروز توافق دولت ریگان با اتیکار می‌تواند صلح سازمان ملل متحد قبل از هر چیزی بیانگر آن است که آن دولت اعمال فشار بر خمینی را برای پیشرفت سیاست خود در منطقه و در رابطه با جمهوری اسلامی ضروری می‌داند. رای دولت آمریکا به قطع نامه شورای امنیت بیانگر آنست که دولت ریگان تحت تاثیر روانشناسی ناآرامی از دین‌دین‌پنهانی با رژیم خمینی و صدور اسلحه به ایران اکنون مجبور به عقب‌نشینی شده و می‌کوشد خود را طرفدار قطع جنگ معرفی کند. اما دولت ریگان علیرغم اعلام طرفداری خود از قطع جنگ همچنان در راه گسترش حضور استراتژیک خود در منطقه خلیج فارس گام برمی‌دارد.

دولت ریگان از محافل حاکم و افکار عمومی آمریکا با گسیل ناوگان جنگی خود به خلیج فارس موافقت و اعلام کرده است که در مقابل حملات رژیم ایران به این عمل دست زده است و می‌کوشد به رژیم خمینی فشار وارد آورد. از نظر نظامی این فشارها در جهت تقویت مدام در مقابل جمهوری اسلامی تا شرمی‌کنند. در وضع فعلی این مانور امپریالیسم آمریکا قطعاً از سوی رژیم خمینی وسیعاً مورد استفاده قرار خواهد گرفت. رژیم از هم اکنون وسیعاً به عوارض مغربیه خدا می‌بندد. روی آورده است رژیم می‌کوشد از حضور ناوگان جنگی آمریکا استفاده و وسایلهای برای پیشبرد سیاست ادامه جنگ و وسایلهای امپریالیستی جلوه‌دهان آن و تلاش مجدد برای فریب مردم بهره‌بردار می‌کند.

علاوه بر آن دولت ریگان در پی ترمیم اعتماد دول مرتجع عرب به آمریکا و جبران افتخار "ایران گیت" است. همچنین لازم به تأکید است که مواضع صلح خواهانه اتحاد شوروی و ابتکارات فعال آن برای تحقق صلح در منطقه راه خود را می‌گشاید. آخرین ابتکار اتحاد شوروی، پیشنهادش برای خروج نیروهای خارجی از خلیج فارس و قطع فوری جنگ در ۱۳ تیرماه بود. دولت ریگان از استقبال دولتها و نیروهای صلح دوست منطقه را با یکبار بار تا شوروی بیمناک است.

بقیه در صفحه ۱۵

در صفحه ۲

خلیج فارس در آستانه فاجعه

در صفحه ۲

انتخابات مجلس، عرصه جدید افشای رژیم

مطابق آخرین اطلاع وزارت کشور، انتخابات مجلس سوم در اسفندماه امسال برگزار می‌شود. ما در شماره گذشته "کار" یادآور شدیم که "سروشست" مجلس سوم و اینک به وسیله کدام جناح قبضه‌شود از موضوعات جدید اختلاف دوجریبان است. و هر دو طرف برای در دست گرفتن کنترل مجلس آینده دست به کار شده‌اند. "رویدادهای ماه گذشته مویبند" ارزیابی فوق بوده است.

افشای جناحی حکومت علیه یکدیگر ادا شده پیدا کرد و انتخابات "مجلس سوم" به‌کانون اصلی مبارزه تبدیل شد. این مبارزه بیش از هر چیزی خود را در کورهای وزارت کشور و طرفداران معمم و مکلای جناح رسالت حول استماعیات اخیر این وزارتخانه نشان داد. سیاست وزارت کشور "تفصیح رسالتی" - هاست. محتشمی به‌عنوان کشته‌اش: "هر کس گسه مخالف دولت باشد، ما بدون درود بر باجستی کنشایش می‌گذاریم" (رسالت ۳۱ خرداد ۶۶)

در این رابطه محتشمی بیش از ۳۰۰ مسئول را با جاکرده و حدود ۱۵۰۰ نفر از آنان را برکنار کرده است. برکناری استادان و فرما ندران را تعدادی از شهرهای این استان، برکناری فرمانداران و استماعیات جدید در استان هرمزگان از جمله این تغییرات در این اواخر می‌شود است. این قضیه به منظور قبضه مجلس سوم صورت می‌گیرد. در این رابطه روزنامه رسالت اظهارات یکی از معاونان محتشمی را نقل می‌کند که گفته است:

"اگر ما بخواهیم در آینده مجلس یک دست داشته باشیم، ناچاریم تمام استانداران و فرمانداران بقیه در صفحه ۲

نهمین کنگره جهانی زنان در مسکو

در صفحه ۵

اعتصابات کارگری گسترش می‌یابد

طی ماههای اخیر دامنۀ اعتصابات کارگری گسترش یافته و حرکات تعرضی خود بخودی و بعضاً سازمان‌یافته کارگری روبه‌فزایش نهاده است. اعتراضاتی که در کارخانجات کفش ملی، سینتا، الیاف، خاورکشت و صنعت کارون، کشتی‌سازی خلیج فارس و سایر برنجی رشته‌های خدماتی نظیراً اعتصابات رانندگان کامیون و تریلی‌ها و آرد، بیابانگر گسترش جنبش اعتراضی و مطالباتی کارگران است. اما هنوز زود است گفته شود که جنبش توده‌ای کارگری از حالت دفاعی به حالت تعرضی درآمده است.

زمینه عمومی علت اصلی این اعتصابات، ناراضگی از رژیم و مخالفت با سیاست جنگی حاکمیت، فشار اقتصادی، اخراجهای گسترده و بی‌وقفه و انواع تبعیضات و حق‌کشی‌های گوناگون است. از نظر سازمان‌یابی، نمی‌توان گفت، نسبت به نیمه دوم سال ۶۵ تغییر مهمی بوجود آمده است. برخی از اعتراضات مهر و نمایی بی‌شروع را بر خود دارند، اما بقیه در صفحه ۴

اطلاعیه مشترک برای مطبوعات

برگزاری نخستین دیدار شوروی احزاب کمونیست و کارگری آسیا و اقیانوس آرام

از تاریخ هفتم تا نهم ژوئیه ۱۹۸۷ (۱۶ تا ۱۸ تیر ۱۳۶۶) در اولان باتور پایتخت جمهوری مسوودا می‌نویستان، ملاقات شوروی احزاب کمونیست و کارگری تحت عنوان "صلح، امنیت، همکاری و حسن همجواری در منطقه آسیا و اقیانوس آرام" برگزار شد. اولین بار است که احزاب کمونیست و کارگری منطقه آسیا و اقیانوس آرام برای تأمین امر صلح و امنیت همکاری بر اساس حسن همجواری تشکیل جلسه می‌دهند. در این دیدار مهم شوروی احزاب کمونیستی و کارگری زیر شرکت داشتند: حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب کمونیست آمریکا، حزب کمونیست ویتنام، حزب انقلابی خلق کامبوجیا، حزب انقلابی خلق لاوس، حزب دمکراتیک خلق افغانستان، حزب کمونیست کانادا، حزب کمونیست هند، حزب کمونیست هند (مارکسیست)، حزب کمونیست پاکستان، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب توده ایران، حزب کمونیست اندونزی، حزب سوسیالیست استرالیا، اتحاد دیرای وحدت استرالیا، بقیه در صفحه ۹

اعتصاب غذای دلاورانۀ زندانیان سیاسی

از روز بیستم تیرماه زندانیان مبارز شکنجه‌گاه‌های یکبار دیگر دست به اعتصاب غذا زده‌اند. اعتصاب، در اعتراض به رفتار خونخوارانه زندانیان، با استقبال زندانیان به‌سלוصلی انفرادی، کمبودها در آب و نان و کافتی بودن جیره غذایی و کیفیت نازل آن صورت گرفته است.

همزمان با اوین، در زندان کوهردشت نیز زندانیان سیاسی مقاومت جمعی دلاورانۀ ای را در برابر شکنجه‌ها سازمان دادند. در این زندان نیز به دستور مسئولین رژیم، تصفیقات تازه‌ای علیه زندانیان اعمال گردید. پاسداران برای درهم‌شکنستن مقاومت زندانیان به درون زندان ریختند و زندانیان مبارزان به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند.

اعتصاب با خیزندانیان سیاسی ایران، دومین اعتصابی است که طی سه ماه اخیر در زندانیان ایران صورت می‌گیرد. اعتصاب قبلی در اردیبهشت ماه و به منظور اعتراضی به نحوه توزیع غذا در ماه رمضان در زندان اوین شکل گرفته بود. بیش از آن نیز در ماههای آبان و آذر زندانیان سیاسی وین دست به اعتصاب بلندمدتی زدند.

اعتصاب غذای زندانیان اوین همچنان ادامه دارد. دشمنان برای وادار ساختن زندانیان به قطع اعتصاب از هیچ دستانه‌ای فرکانه نمی‌کنند. زندانیان مبارز در برابر شکنجه‌های قرون وسطایی مقاومت می‌کنند و رژیم‌ها از زبانت خرابی این حرکت رزمجویانه‌ها در انتظارند. می‌کوشند با قطع ملاقات زندانیان و خانوادهاشان مانع از نشانی‌ها اعتصاب و جنبایات خود، در سطح کشور گردند. جان زندانیان سیاسی در خطر است. ما همه توان خود را می‌زنیم تا قهرماناناه فرزندان در بند خلق پشتیبانی کنید!

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

خلیج فارس در آستانه فاجعه

اوضاع مشتعل خلیج فارس به مرحله‌ای بحرانی و خطرناک رسیده است. دولت آمریکا اعلام کرده است که برچم خود را بر کشتی‌های کوییتی نصب خواهد کرد. آمریکا به بهانه حمایت این کشتی‌ها ناوگان جنگی عظیمی را به آبهای خلیج فارس گسیل کرده است.

اقدام تجاوزکارانه و گستاخانه دولت ریگان در تقویت نیروهای نظامی آمریکا در خلیج فارس که به بهانه نامین "کشتی رانی آزاد" در خلیج فارس صورت می‌گیرد، بمنظور حفظ و تحکیم موقعیت امپریالیسم آمریکا در منطقه و دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه است. محورا اصلی تبلیغات امپریالیستی برای توجیه این اقدامات تجاوز - گرانه، همان ترجیح بندهمیستی یعنی "خطر شوری" است. ریگان در یک مصاحبه مطبوعاتی در اوایل ماه گذشته اعلام کرد: "اگر ما دست به محافظت از نفت کشی‌ها در خلیج فارس نزنیم، شوری‌ها این کار را خواهند کرد" و "اگر یک میلیون محافظت نفت خلیج فارس شود، امنیت ملی آمریکا به خطر خواهد افتاد". در همین زمینه و این سرگریز در دفاع آمریکا نیز اعلام کرد: "اگر ما اینکار را نکنیم شوری خلیج فارس را به دریاچه داخلی خود مبدل خواهد ساخت".

برخلاف سیاست تجاوزکارانه و تیلیند سیاست عوامفریبانه امپریالیستی آمریکا، اتحاد شوروی از همان ابتدای سیاست متکی بر رفع تنش در منطقه را دنبال کرده است. اعلامیه دولت شوروی ۱۳۴۲ تیرماه راه‌زانی رفع تنش در خلیج فارس را بروی تریسم کرده است. در این اعلامیه دولت شوروی خواستار آن شده تمام ناوهای جنگی کشورهای غیر ساحلی در کونا تریسم مدت از آبهای خلیج فارس خارج شوند و بر آن وعده‌ای سبب خود از عملیات سیاسی که امنیت کشتیرانی بین المللی را تهدید می‌کند، خودداری نمایند. در اعلامیه بکار درگیر موضوع اصلی اتحاد شوروی در مورد اینان گرفتن جنگ ایران و عراق بعنوان عامل اصلی تنش در منطقه اشاره شده است.

سیاست تجاوزکارانه آمریکا موحی از مخالفت در سراسر جهان را برانگیخته است. نه تنها کشورهای سوسیالیستی و نیروهای صلح دوست جهان، بلکه حتی در میان متحدین ناتوی آمریکا و در خود این کشور نیز موج مخالفتها گسترده است. کنگره آمریکا در این باره تریسم نمب برجم آمریکا بر کشتی‌های کوییتی را به توجیهی نداشت. علاوه بر کنگره، بیساری از محافل و شخصیت‌های معروف آمریکا بی‌علنا با طرح ریگان به مخالفت برخاستند. اکثر متحدین ناتوی آمریکا نیز تریسم و مخالفت خود با این

انتخابات مجلس... بقیه از صفحه اول را عوض کنیم و آقای محتشمی مشغول این کار است. (رسالت ۳۱ خرداد) در همین رابطه است که نا طبق نوری می‌گوید: "آقایان در انتخابتان به بهانه‌ها همتی با دولت یک نفر "غیربانی" نصب نکردند" (کیهان ۲ تیر)...

درگیری دوجناح به حدی سابقه‌ای شدید شده است. محتشمی مخالفان دولت را تفضیه می‌کند، در همان حال مشا و را می‌گوید که "برخورد جناح مخالف دولت... برخورد جدی است. برخوردش با وزارت کشور برخوردی است که با "مناقضین و ماکسیت‌ها" میکنند... این اظهارات شدت درگیری دوجناح را نشان می‌دهد که با نزدیک شدن انتخابات مجلس سوم شدیدتر شده است.

درگیری جناحها در جریان تعویض استانبول خراسان با لاکرتف و باز اردشنا کمونی و خط و نشان کشیدن هاداغ تریسم. اشمه جمله استان خراسان طی اعتراضیه‌ای که در روزنامه رسالت (۲ تیرماه) به چاپ رسید، به تعویض استانبول اعتراض کردند و با لحنی تهدیدیه میز عمل وزارت کشور را زمینه ساز عدم همکاری اشمه جمعه با فرمانداران و بخشداران خواندند، و واعظ طیبی نماینده خمینی در خراسان در حمایت از استانبول را با بق. وزارت کشور محکوم نمود.

در این باره اقدامات دولت، طرف مقابل نیز بیگانه‌رمانده است: سران با زار بعد از انحلال حزب جمهوری اسلامی، که رسالتی‌ها و نتایج با زار اکثریت شورای مرکزی آنرا تسخیر کرده بودند، سپس شورای مرکزی اصناف تهران را اعلام کردند و طی اعلامیه‌ای خطا به وزرا و بخشداران ارگانها، نهاده‌ها و سازمانها طر نشان کردند که از این پس این شورا سخنگوی تجار و میلیاردرهاست با زار خواهد بود، و عسکروا لادی نماینده سرشناس تجار با زار در رابطه با انتخابات مجلس سوم، خطا با زار روشن ساخت و گفت: "هستند ساختن و گفت: خودشان باید در مجلس حاکم باشند در این زمینه کارهایی انجام داده‌اند... بدجا معاندان هم می

ما جراحی‌هایی تازه را اعلام داشتند. اما علیرغم این مخالفتها در قطعا مه سران ۷ کشور بزرگ سرمایه‌داری درونیز، که در مورد جنگ ایران و عراق مآ درند، متحدین آمریکا از موضع این کومینیس برافزایش حضور نظامی در خلیج فارس به بهانه "به خطر افتادن امنیت کشتی رانی" پشتیبانی کردند. با وجود مخالفت گسترده و همگانی، دولت تجاوزکار آمریکا از سیاست دخالت خودیانه خسود عقب‌نشست، ریگان اعلام کرد: "به سادگی در زیر فشارهای موجود خم نخواهد شد و سیاست خود در رابطه با خلیج را تغییر نخواهد داد. "برای اجرای این نقشه تجاوزکارانه، دولت آمریکا، از پیش از یک ماه پیش به اعزام ناوهای جنگی بسوی آبهای خلیج فارس اقدام کرده است. بنا به گفته سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، در حال حاضر ناو جنگی شامل رزمنا و کشتی‌ها و ناوهای مجهزه موشکهای هدایت شونده، یک ناو هواپیما بر... در خلیج فارس مستقر و آماده عملیات جنگی هستند. ناوهای دیگری نیز در راه پیوستن به این گروه هستند. روزنامه آمریکا بی "بیزور" نا ساخت که کشتیهای جنگی مستقر در داخل و خارج خلیج فارس بزرگترین ناوگان جنگی دریایی از زمان جنگ دوم به این طرف می‌باشد. امپریالیستی آمریکا بی این ناوگان جنگی را بمثابة مشت آهنینی علیه منافع خلقهای منطقه بکار گرفته‌اند.

رژیم خمینی با سرگردانی سیاست جنگ ارتجاعی با عراق زمینه‌ساز اصلی سیاست تجاوزکارانه آمریکا و افزایش حضور نظامی این کشور در خلیج فارس است. ادامه جنگ عملا بهترین بهانه برای دولت ریگان برای اجرای نقشه‌های مداخله خودیانه خود داد. جمهوری اسلامی سبب خودیانه اقدامات ماجرا - جویانه بر تشنج اوضاعی افزایش حمله به نفت کشها، بستن راه برگشتی‌های تجاری و گسیل نیرو به منطقه از جمله این اقدامات ماجرا جویانه است. بنا به گفته سخنگوی سیاه، رژیم جویانه بزرگ خلیج فارس را به صورت ناوگان عظیمی در آورده است که "براحتی می‌توانند کلیه شناورها و تجهیزات دریایی دشمنان را اشکال کنند". در راستای همین سیاست روز ۷ تیر مرحله‌هایی ما نورد دریایی در اقلق را حضور نخست وزیر در آبهای جنوبی کشور برگزار شد. با استفاده از خدمات و اوضاع عمال رژیم به سنج گسترده نیرو و اعزام آنها به جبهه دست زده‌اند. دهها گردان به نام "شهادت طلبان خلیج فارس" راهی میدان مژگ شده‌اند. این "شهادت طلبان" جوانانی هستند که توسط ما مورین ملج رژیم در کوه و کنار کوه و کوه و کوه و کوه تا درما جراحی تازه خمینی، قربانی اهداف

اسلامی (با زار) خودشان را آماده کنند و وظایف خود را در انتخاب صلح بتوانند انجام دهند. " در این میان خمینی فرمان داد که "تم... و تهران" از تخمین گانندیدار برای شهرتانیها خودداری کنند. علاوه بر آن او دستور داد که اشمه جمعه شریستانها از تبلیغات به سود گانندیدارها و گانندیدارانی تا زمانی که امام جمعه هستند، خودداری کنند، و این دستورات در مجموع به زید رسالتی حاتم شده است.

منظری در سخنرانی‌های متعدد، نگرانی خود را از آزاد شدن درگیری جناحها آشکارا ساخت و علیه "ک خطی" شدن مجلس و عقابان هند را داد، و تا آنجا پیش رفت که کوشش برای محدود کردن مجلس سوم به "یک کاتال و افراد خاص" و ایجاد "مجلس یک خطی" را "خیانت به مردم و انقلاب و کشور" نامید. تلاش جناحها برای قیضه مجلس سوم، در واقع تدارک قیضه کامل کابینه نیز هست. رسالتی‌ها تلاش می‌کنند که اکثریت مجلس را به دست آورند و از آن راه فرداموردا عمدا خود را در وزارت خانه‌ها و کابینه قرار دهند. اکنون جناحین حزب - الله ها تر از همیشه، به یکدیگر چنگ و دندان نشان می‌دهند و زهر فرمتی برای خالی کردن زیر پای طرف مقابل بهره می‌گیرند و تلاشهای خمینی برای حفظ وحدت در جبهه حزب الله بیش از پیش کم اثر می‌شود.

در این میان شایان توجه است که رسالتی‌ها در گریه و دروغای قدرت با جناح دیگر برای هوار کردن راه بیروزی خود، سرکوب بخش دیگری از نیروهای درون جمهوری را نیز تدارک می‌بینند. آماج این سرکوب ظاهرا کشتی هستند که با دفاع نظریات مطهری مورد خشم رسالتی‌ها قرار گرفته‌اند. در این رابطه صحبت‌های کنی بویژه قابل توجه است: "مهدوی کنی، آخوند مورا عمدا دخمه‌ای و کسی که در اغلب تحولات درون حکومت نقش جدی داشته است، در یک سخنرانی که روزنامه رسالت آنرا "تاریخ" ارزیابی نمود، اظهار داشت: از این طرف و آن طرف صحبت می‌شود که آقایان روحانی طرفدار شروتی‌مندانند... من یک وقت برای آن خط

ارتجاعی او شوند. اصرار رژیم بر ادامه جنگ و ماجراجویی‌ها و اقدامات تشنج آفرین آن، منطقه را بطرف یک فاجعه سوق میدهد.

رژیم خمینی که می‌گوید خود را هدف اصلی اقدامات تجاوزکارانه آمریکا و نمود سازد، با دست زدن به تبلیغات جنون آمیز مذهبی و شوونیستی و تحریک احساسات فدا مپریالیستی توده‌های مردم در صدمات که توده‌های مردم را به پشتیبانی از سیاستهای ارتجاعی خود جلب کند. رژیم از دست زدن به احساسات فدا مپریالیستی و برانگیختن جوش و شور در عین حال هدف به فرا موشی سیرد ن اقتضای معاملات بینانی و سیاستهای سازگارانه با مپریالیستی آمریکا را نیز دنبال می‌کند. در این کار از جنون آمیز، رواج دشمنی با اتحاد شوروی نیز تعقیب می‌شود. سران جنایتکار رژیم بی اعتنا به سیاستهای انقلابی صلح دوستانه و اتحاد شوروی مبتنی بر رفع تنش و برقراری صلح، این کشور را نیز در کنار امپریالیسم آمریکا آماج تبلیغات زهر آکین خود قرار داده و آنرا دشمن ایران معرفی می‌کنند. علیرغم آنکه هاشمی رفسنجانی اعلامیه دولت شوروی را "بسیار مترقیانه" خواند و گفت "هر کس با آن مخالفت کند، معلوم است که می‌خواهد خود را بکشد" اما با کارهای یک بخش از آن یعنی عدم حمله به کشتی‌های تجاری در خلیج فارس موافقت کرده است. منتظران چنین "امام" نیز در سرفرازی ۱۵ تیرماه خود خطاب به مردم گفت: "هم آمریکا و هم شوروی در خلیج فارس ناوگان‌های جنگی آورده‌اند، تا از بیروزی شما مردم جلوگیری کنند". این تبلیغات ضد کمونیستی گستاخانه به اشکال متفاوت از سوی رژیم جمهوری اسلامی ادامه دارد و هدف آن ایجاد دشمنی با اتحاد جماهیر شوروی و خشنی کردن تأثیر مثبت اقدامات انقلابی و صلح دوستانه آن در ذهن توده‌های کارگران و زحمتکشان میهن ما است.

سیاست تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا و اقدامات ماجراجویانه و ارتجاعی جمهوری اسلامی مبتنی بر ادامه جنگ، خلیج فارس و تمامی منطقه را در آستانه حوادثی فاجعه بار قرار داده است... وظیفه همه کمونیستها، کارگران و انقلابیون و همه نیروهای صلح دوست و ترقیخواه ایران برای جلوگیری از این فاجعه، در قدم اول شدید همه جانبه مبارزه علیه جنگ و برای صلح است. اقدام مشترک و هماهنگ در مبارزه علیه جنگ و رژیم جنگ افروز خمینی و افشای فاطحه ناسازگاری استراتژی تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا بیش از هر زمان به وظیفه عاجل همه نیروهای انقلابی و مبارز ایران تبدیل شده است.

قهر ریجان (مهدی هاشمی) ... گفت... که ما ما با یدیان خط و خاکریز رافتح بگندودیدیم که ما ما آن رافتح کرد. " کتی، ضمن انتقاد از آثار "مطهری" و حمله به کسانی که کتاب "اقتصاد اسلامی" و مقاله "ماشین" را و چاپ کرده‌اند، گفت: " یک خط دیگر با قیما نده است که این راه هم امام باید ففتح بگندودان خط هم فتح می‌شود، بگذارید اینها بی که این حرفها را می‌زند، خوب دستشان را باز کنند... (رسالت ۳۰ خرداد).

قبلا رشتیدان نماینده آبادان ضمن خطابه به کسانی که مطهری را زیر سوال برده‌اند، آنها را به حمایت از شروتی‌مندان منتم کرده بود، این سخنان نشان می‌دهد که کنی انگشت اشاره را به کدام سمت گرفته است.

درگیری دوجناح برای قیضه مجلس به هرتجملی در تقسیم‌گرمی‌های مجلس ارتجاع بیجا نجامد، وضع زحمتکشان ایران دگرگون نخواهد شد. چرا که هر دو جناح و مجموعه هیات حاکمه ارتجاعی علیه مردم هستند. تجربیات گذشته به مردم آموخته است که به انتخاباتی رژیم که هزاران تن از فرزندان انقلابی آنها را به جوخه عدام سیرده و دهها هزار تن دیگر را زندانی کرده و برای کشور جزم کرده، ویرانی جنگ و اختناق چیزی به ارمان نیاورده، اعتقاد نکنند. مردم مدت‌هاست که راه خود را از رژیم جدا کرده‌اند و اکنون به به خیمه شب بازی انتخابات، بلکه به سرنگون ساختن رژیم تنبکارتقما می‌اندیشند. افزایش درگیری‌های درونی رژیم بر خود و امکانات نویسی برای گسترش مبارزه مردم در راه سرنگونی رژیم فراموشی سازد، و انتخابات مجلس سوم از این دیدگاه که دسته‌های درون حکومت به جان یکدیگر می‌افشند، ماهیت ضد مردمی خود را افشا می‌کنند و نشان‌دهنده انقلابی مجموعه رژیم را تحلیل می‌برند. اما کاتال تازه‌ای برای سردهای انقلابی فراهم می‌کنند و عرصه مهمی برای افشای رژیم و بسیج نیرو علیه آن خواهد بود.

راه پیروزی جنبش ملی خلق کرد

با قرار رسیدن ۲۸ مرداد، هشت سال از آغاز پیروزی مردم جنبش ملی خلق کرد می گذرد.

در ۲۸ مرداد ۵۸۵۵ جنبش ملی خلق کرد سرکوب شود و همزمان با آن سازمان ملی بیدارگر و تیک در سراسر کشور مورد یورش حزب الله بر او گرفتند. این همزمانی تصادفی نبود، جنبش ملی خلق کرد جنبش سراسری طبقه کارگر و جنبش ملی خلق کرد است. ایران واقف بود و آن در هر سال بود و از پیرو سرکوب همزمان آنها را لازم دانست و آن در نتایج بزرگ بود.

اکنون هشت سال از ۲۸ مرداد سپاس گذشته است و جنبش ملی خلق کرد، همپای جنبش انقلابی سراسری بر آجل پر فراز و نشیبی را طی کرده، در سه سال سیاری آموخته، و تجارب پر برپای آن اندوخته است. جنبش ملی خلق کرد با گوشت و پوست خود و به بیای نیا زبانی بسیار ریش از هر زمان دیگر این حقیقت ادراکی با بدگما مبارزه اش بدون پیوند با جنبش سراسری طبقه کارگر ایران، که بوسیله سازمانهای حونیست نمایندگی می شود، فاقد درستی و روشن است.

خلق کرد در رژیم شاه، برخوردار سمانه سلطنت الیبا با مسائله ملی را چه در آن زمان که قاضی حیدر با بوشله در سراسر کشور کشیده شد و چه در هنگام که رژیم شاه را با هر کجا ریخته شدند. تجربه بعد از انقلاب بیمن نیز ضمن آنکه درنده خوبی حیوان مفتی رژیم ولایت فقیه را در مواجعه با جنبش ملی به چشم دید، برخورد فرست طلبا نسبت به ریانات بورژوا - لیبرال از باز زگان و شرکاء اجبیه ملی و دیگران را مشاهده کرد و دید که بورژوازی بیبرال مخالف جدی حق تعیین سرنوشت خلقها و بود مختاری کردستان است. امروز نیز خلق کرد تجربه می کند که چگونه با نیروی سرکوب و بیرونی و بیرونی - لیبرال اپوزیسیون رژیم وقتی اسم خود مختاری خلق کرد در بیمن آزاد، مکرر تیک و انقلابی را می شنوند، بلافاصله به یاد لبم کردن آنها - تجربه طلبی می افتند.

همه این تجربیات مدلل می کنند که جنبش حونیستی ایران بنا به ماهیت خود همواره مدافع بیکسروا بت قدم خلقهای تحت ستم کشور بوده است، فقط کمونیستها هستند که بدون قید و شرط حق خلقها، تعیین سرنوشت خویش را به رسمیت می شناسند و رعمل از آن دفاع می کنند. خطای سازمان ما در رتخا سیاست است درست در قبال جنبش ملی خلق کرد در سالهای ۶۱ - ۶۰، به هیچوجه واقعیت تاریخی قاطع جنبش کمونیستی ایران از حق تعیین سرنوشت خلقها و مشخصا خلق کرد را نمی تواند خدشه دار کند.

برپایه تجربیات فوق باید جنبش ملی خلق کرد را از ایده راضی کردن بورژوازی لیبرال به پذیرش خواست خود مختاری و بایستی بدین شعار زان گذرد. با بداین جنبش را قاطعانه در راه اتحاد با جنبش کمونیستی و کارگری سازمانهای پیشاهنگ بر قرار داد. هرگونه تزلزل در این راه در نهایت به زیان منافع خلق کرد است. جنبش ملی خلق کرد بدون این اتحاد قاطع در به کسب حقوق با میمال شده خود نیست. بر این پایه است که سازمان ما در راه این نزدیک، گوشه و نومی کوشد. بر این پایه بوده است نه سازمان ما در این مومو ۶۳ حزب دمکرات با اتحاد عمل فراخواند و رتداوم فراخوانهای متعدد خود را زشار چیده. فدا مپریا لیستی - دمکراتیک حزب دمکرات استقبال نمود و حزب را با اتحاد قاطع شخصی دعوت کرد. تا آنجا که بد سازمان ما مربوط می شود، ما همه امکانات را برای تامین همکاری و اتحاد قاطع همه نیروها بکار گرفته ایم و در این راه قاطعانه قدام کرده ایم. متأسفانه هنوز حزب دمکرات کردستان زبرد اشتن گام های استوار در راه عملی کردن آنچه اعلام کرده، با زمانده است. این در حالی است که جنبش ملی خلق کرد در وضعیت دشوار، بیچیده جسمی قرار دارد و ضرورت اتحاد نیروهای ملی کردستان با نیروهای انقلابی و مترقی سراسری زهر زمان دیگری بیشتر شده است.

جنبش ملی خلق کرد همچنان بنیادش رژیمهای رتج ایران و عراق می باشد. رژیم ایران می گوشتا پوزیسیون صدام را به خدمت خود در آورد. صدام بزه همین سیاست را دنبال می کند. در این راستا در پیروزی حتی از تحت فشار قرار دادن اپوزیسیون رژیم مقابل خود خود را نمی بیند. به شوب بستن به ظاهر "تصادفی" مقرهای سازمانها و حزب مترقی برانی در کردستان توسط رژیم صدام برای کاشاندن بن نیروها به مناطق تحت نفوذ خود جهت تحمیل راده خود بر آنها جلوه ای از این سیاست است. اکنون نیروهای مترقی ایرانی مستقر در مناطق زانده کردستان و عراق، در میان گاز اشهبری

عملیات تروریستی رژیم علیه مهاجرین سیاسی

در روزهای اخیر حملات تروریستی رژیم خمینی به مهاجرین سیاسی در پاکستان، آتریش و انگلستان دهها نفر کشته و زخمی شدند. در پاکستان، او با شان جمهوری اسلامی که مسلح به سلاح گرم و نارنجیک بودند، از هیچ وجهی دستبردار نیستند. اینها نشان خودداری نکردند. حمله حزب الله "بنا توافق کامل رژیم مزدور و وابسته به امپریالیسم فضاء الحق صورت گرفت. پلیس پاکستان نه تنها در مقابل مهاجرین هیچ عکس العملی نشان نداد، بلکه پس از این جنایات به دستگیری پناهندهگان ایرانی و تشدید فشار بر آنها پرداخت. وزارت خارجه پاکستان هم با صدور بیانیهای اعلام کرد: "دولت پاکستان فعالیت گروههای مخالف دولت جمهوری اسلامی ایران را در خاک خودندرجیل نمیکند". رژیم خمینی که به تنبگاری و وحشیگری در سراسر جهان مشهور است، چرا نتواند این جنایت کثیف را به گردن بگیرد و یا "زیرکی" حقاقت باری اعلام داشت که مهاجرین عده ای ناشناس بوده اند.

اخیرا نیز یکی از مخالفین سیاسی رژیم در آتریش ترور شد. اکنون مدتهاست که عوامل جمهوری اسلامی در هندوستان و هر ضرب و شتم و حتی کشتار مهاجرین سیاسی در این کشور اقدام می کنند. اقدامات اخیر، نشان دهنده مرحله نویی از صدور تروریسم دولتی توسط رژیم خمینی در خارج از کشور برای محو ناپاودی مخالفین سیاسی خود است.

چندی پیش هم مسئولین امنیتی و سران ساواک خمینی قرار دادی با دولت فاشیست ترکیه منعقد کردند که بر اساس آن دولت ترکیه موظف به تحویل پناهندهگان ایرانی مقیمین این کشور به جمهوری اسلامی شده است. با این موافقت نامه تاکنون حدود ۴۰۰ ایرانی توسط رژیم ترکیه به ساواک خمینی تحویل شده اند. در میان آنها ۶ نفر از مبارزان رژیم کرد و ستمگرها هم در میان آنها بطور جداگانه وجود دارد. بسیاری از سازمانهای بین المللی حقوق بشر به این اقدام فدا سازی دولت ترکیه اعتراض کردند و خواهان پایان دادن به عملیات استرداد شدند. دولت ترکیه علیرغم آنکه قرار داد دجانی ۱۹۵۱ را در مورد پناهندهگان سیاسی پذیرفته است از پاسخ به این اعتراضات تاکنون شانه خالی کرده است.

رژیم خمینی با این عملیات تروریستی و توافق نامه ها، دامنه سرکوبگری و جنایاتش را به خارج از کشور نیز گسترش داده است. رژیم کناره رضایتی و مبارزه توده های مردم را روز به روز در حال گسترش می بیند، در تلاش است تا این جنبش را از رهبرانش محروم کند. در نتیجه هم در داخل و هم در خارج کشور سیاست گسترش عملیات سرکوبگری را و محو ناپاودی مخالفین سیاسی خود را در پیش گرفته است. این جنایات نه به معنای قدرت جمهوری اسلامی، بلکه به معنای نتیجه ضعف آن و رهاسازی او و گسسته شدن عملیات تروریستی خمینی علیه مهاجرین سیاسی در کشورهای همسایه با همکاری نزدیک رژیم های دیکتاتوری و وابسته به امپریالیسم آمریکا در ترکیه و پاکستان صورت می گیرد. این عملیات در خارج و در داخل و در هر دو جنبه، ارتجایی علیه انقلاب افغانی است. جنبش خلق کرد و اخیرا مهاجرین سیاسی ایرانی صورت می گیرد. حوادث اخیر پیش از پیش این ضرورت را ثابت می کند که مهاجرین ایرانی با هر اندیشه، مسلک و تعلق سازمانی با پدید آمدن دفاع از زندگی و حقوق میا جریسی بر خیزند، به افشاکاری گسترده علیه جنایات رژیم خمینی بپردازند، افکار عمومی جهان را علیه این پیدادگری ها برانگیزند، اخبار و اطلاعات پیرامون توطئه های رژیم علیه مهاجرین را مبادله کنند و اقدامات هماهنگی را برای مقابله با تحریکات رژیم خمینی پیش ببرند.

ما همه احزاب و سازمانها، شخصیت های دمکرات و آزادیخواه و سازمانهای بین المللی را فرا می خوانیم تا با بررسی جنایاتی که علیه موطنان مهاجرین ما رخ داده است، رژیم خمینی را محکوم کنند، دولت ها پناهندهگان را تحت فشار بگذارند و تا همه جمهوری اسلامی اعتراض کنند، همه امکانات را برای قطع و عدم تکرار چنین حوادثی بکار گیرند و به دفاع از مهاجرین سیاسی و پناهندهگان ایرانی برخیزند.

که در رژیم ایجاد کرده اند، تحت فشار جدی قرار گرفته اند.

در مقابل به این سیاست، نیروهای مترقی در هر کشوری باید از یک سو با یکدیگر متحد شوند و از سوی دیگر با نیروهای مترقی کشورهای دیگر همکاری کنند. اوضاع دنوا رگونی که جنبش ملی خلق کرد را احاطه کرده است تا میان اتحاد جنبش ملی خلق کرد با جنبش کمونیستی را مبرم تر ساخته است. این اتحاد استراتژیک است و وسیله ای برای اتحادها و تاکتیکی تسویفی کرد. جنبش ملی خلق کرد در میان

پیرامون دادگاه ویژه روحانیت

با اعلام خبر تشکیل دادگاه واداسرای ویژه روحانیت، خمینی طی حکمی دوتن از آخوندهای جنایتکار (رازینی و ولحیان) را به سمت حاکم شرع و دادستان دادگاهها واداسرای ویژه روحانیت منصوب نمود. تشکیل این دادگاههای ویژه جلوه دیگری از تشدید فشارهای درون دستگاه حاکمه و بالا گرفتن جنگ قدرت در میان آخوندهای حاکم است. اما رژیم سعی دارد از نگیزه تشکیل این دادگاهها راصرفا، مقابله با خلافکارهایی برخی روحانیون جلوه دهد.

هر چند اکنون دیگر مدتهاست که فساد، رشوه خوری خودسری و انواع جنایات روحانیون زبانزد همه مردم شده است، آنها طی ۸ سال حکومت اسلام با سوء استفاده از اختیارات قدرتی که در رژیم فقها بدست آورده اند، علنا به مردم زور گفته و حقوق آنان را با میمال کرده اند، از راه دزدی و فسادها حتی در موارد ناگفته و جنایات بی شمار زندگی مجمل فراهم آورده اند. آنها در حالی که در مساجد و مراکز تبلیغاتی سرسام آورده و مردم را به بهشت آسانی وعده می دهند، خود در همین دنیا و بهشت آسانی در دنیا و آخرتشان را فراهم کرده اند.

تشدید اختلافات در میان روحانیون حاکم از یک سو و نفرت مردم از مجموعه روحانیت حاکم از سوی دیگر سران رژیم را به چاره اندیشی واداشته است. فرامین اخیر خمینی و تاکیدات امنیتی بر مبارزه با "روحانیت نمایان" و تسهیل برخی تسویه حسابها در میان خودشان و "حفظ ظاهر" در تعدی و تجاوز از آخوندها به حقوق مردم، متوجه مبارز و تعدیل اختلافات درونی و قریب مردم و تخفیف کینه آنان نسبت به رژیم فقهاست.

"دادگاه ویژه روحانیت" و "مجازا تها بیسی" در حمله لبس چند آخوندها در گوشه و کنار کشور نمی توانند بر ظلم و ستم روحانیت بر توده مردم بزند و بر قدرت روحانیت در اعمال ستم بر مردم را بخنک کنند.

ریشه این قدرت در آنجاست که آخوندها بیسی که با سرمایه داران متحد و هم دست شده اند، قدرت سیاسی را به قبضه خود در آورده اند و با استفاده از نهادهای سرکوبگری مثل سپاه و کمیته و قدرت دولتی و قدرت اقتصادی عظیم با زار به غارت و چپاول و استعمار و تعدی به حقوق مردم مشغولند. رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم بورژوازیستی و تشوکرانیک است. یعنی رژیمی که آقایی و فرمانروایی روحانیون متحد با سرمایه داران را بر مردم تحمیل کرده است. این رژیم روحانیون را رسماً مافوق قوانین همگانی - تمام آنها بفر مردم و بسود سرمایه داران و حکومتیان تنظیم کرده است - قرار می دهد. حتی دادگاههای آنها از دادگاههای مردم عادی جداست. در رژیم فقها که تسوده مردم با کوچکترین بیانه ای به خود اعدام سپرده می شوند، به زنده اندیشی طویل المدت محکوم می شوند، دست و پایشان بریده می شود، چشمهایشان زنده اندیشی بیرون کشیده می شود، سنگرمی شوند، یک روحانی به هر جنایت و بیستی و بلبیدی که دست بزند، نهایتا به خلع لباس محکوم خواهد شد! تبعیض آشکار و رسمی در برابر قانون بسود روحانیت و ممنوعیت آنان از مجازاتهای معمول تنها یکی از عواملی است که باعث تشدید خودسری و ظلم و ستم دستگاه روحانیت بر توده مردم است. تا وقتی روحانیون قدرت دولتی را در دست دارند و از موقعیت سیاسی و اداری خود در جهت منافع شخصی و قشری خود سود می جویند، تا زمانی که هستی مردم، عرضه تعرض و عارت آخوندهای حکومتی است اختلافات درونی یعنی مسابغه آنها بر سر تعدی و تجاوز هر چه بیشتر به حقوق مردم پایان نخواهد گرفت. تنها راه پایان دادن به این ظلم و تعدی بر انداختن رژیم جمهوری اسلامی است. این رژیم است که جنبش امتیازات و قدرتی را به مشت آخوندها و رفویش کرده و آنها را بر سر توده مردم حاکم ساخته است. بدون سرنگونی این رژیم، روحانیون همچنان فرمانروا و مافوق مردم باقی خواهند ماند.

دولتهای ارتجاعی منطقه و یا جریانات بورژوازیستی کشور هیچ متحد مطمئن و یا بداری نخواهند داشت. بورژوازی میا جنبش کمونیستی و جریانات بورژوازی دست کشیده را به جبهه فدا مپریا لیستی - دمکراتیک از همکاری و اتحاد با جنبش کمونیستی ایران می گذرد. ما در راه تا میان این اتحاد که راه تحقق آن ما ج خلق کرد را نیز می کشاید، از هر گام عملی حزب دمکرات کردستان ناپاودن استقبال می کنیم.

دهقانان مبارز! مالکان را به روستاها راه ندهید

ادامه جنگ و نظامی شدن صنایع

بن خوار و بار و راهزنی مقامات

۴۰ درصد از تولیدات صنایع سنگین در خدمت جنگ است... ۵۰۰ کارخانه و شرکت صنعتی و تجاری تحت پوشش سازمان صنایع ملی به ستامین نیاهای جنگ به ویژه تولید قطعات و لوازم یدکی و مهمات جنگی اختصاص یافته است... تا مین کلیه نیاهای جنگی با استفاده از حداکثر امکانات داخلی، مهمترین هدف طرح شرایط نوین اقتصادی است... در سال ۶۵ در صنایع سنگین ۱۵ تا ۱۶ میلیارد تومان قرارداد تولید با بخش دفاعی منعقد شده است... سازمان گسترش و نوسازی صنایع در سال ۶۵ بیش از ۴/۲ میلیارد تومان سفارش پروژه های جنگی داشت که ۱/۵ میلیارد تومان آن را انجام و تحویل داده است... زمانی تولیدات تویوس و میخی بوس بر بنا به تولید صنعت ما بود، اصلا امروز تولیدات نظامی در مدبر بنا هم کارمان است... میتوان با زهم سیاه فوق را تکمیل کرد... می توان نام مدها کارخانه ای را که وسایل مورد نیاز مردم را تولید می کنند، نامتوازی کردند، اما امروز قطعات توب، خمپاره، تانک، مهمات جنگی و غیره تولید می کنند، را بر سرمد، کارخانه های که مستقل از صنایع نظامی ارتش و صنایع به اصطلاح خودکفای سیاه، به کارگرم نگاهداشتن شورجنگ مشغولند، هر روز بر شمارشان افزوده می شود.

کارکنان و غیره نتوانسته بودند با ظرفیت بالای صنایع کارکنند و با اجرای سیاست های اقتصادی فساد مردمی رژیم خمینی با پایین تر از ۵۰ درصد ظرفیت خود نیز کار می کردند... در دستاوردهای اقتصادی و صنعتی با کم فرا رفتند... مدبرعامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران اعتراف می کند که تولیدات واحدهای تحت پوشش این سازمان در سال ۶۵ حدود ۲۵ درصد میزان پیش بینی شده بود... و رقم پیش بینی شده را فاش نمی کند، اما برای توجیه خیانت های رژیم با وقاحت تمام می گوید... نکته بسیار مهمی که با بیستی به آن توجه داشت این است که از سال ۶۴ تا کنون (یعنی از زمان آغاز بحران ارزی)، ارقام کمی گویای چگونگی حرکت صنعت کشور نیست، بلکه کیفیت حرکت و تغییر و تحول ناشی از این شرایط... با بدیوردن توجه معاف رداشته... باشد... این بیان در حقیقت اعتراف به شکست کلیه برنا مهمی رژیم در راه بنای صنایع است... حال نگاهی به کیفیت حرکت و تغییر و تحول ادعای سردمداران رژیم بکنیم...

همه این واقعیت بی انکرتظای می شدن سریع صنایع کثوره به همراه دیگر عرصه های زندگی اجتماعی اقتصاد میهن ما است... صنایع کشور ما اساسا در رژیم شاه و در وابستگی کامل اقتصادی به تکنولوژی، مواد اولیه و کارشناس به کشورهای امپریالیستی گسترش یافت... این صنایع اساسا متکی به واردات قطعات یدکی و مواد اولیه که با ارزش حاصل از فروش نفت خرید می نمودند... علیرغم تمام این جادوچال سران خیانت کار رژیم خمینی صنعتی پیر... کارخانه های به سوی خودکفایی و غیره، وابستگی صنایع کشور آدامه و توسعه یافت... در اندک زمانی نیاز ارزی صنایع سنگین به حدود ۷ میلیارد دلار دیگر رفته های صنایع به بیش از ۵ میلیارد دلار رسید...

رژیم به منظور ادامه جنگ در مقابل با بحران های که در آن گیر کل اقتصاد کشور و بویژه صنایع شده بود، به اقداماتی چند متوسل شد... در این اقدامات طرح نوین اقتصادی (قراردادش) در این طرح تا مین نیاهای دفاعی کشور یعنی قراردادین تمامی ارتجایات درالویت قرار گرفت... بر پایه طرح نوین اقتصادی " ضرورت اصلاح ساختار صنایع کشور مطرح شد... معنی این حرف این بود که ساختار صنایع کشور برای تولید و وسایل مورد نیاز جنگ بسرعت نظامی شوند... از آنجا که ارز حاصل از فروش نفت برای تامین نیاهای ارزی هم واحدهای صنعتی کافی نبود، سران رژیم تصمیم گرفتند که پروژه های اقتصادی را تعطیل یا به تعویق اندازند مثلا تمام کار ساختن ذوب فولاد مبارکه به مدت ۵ سال به تاخیر افتاد... نتیجه این سیاست فدمردمی، چیزی جز کاهش یا قطع تولید همان اندک کالاهای ضروری جامعه، تشدید کمبود کالاهای مورد نیاز و قطع گران هریچه بیشتر آن ها نبود...

بد اعتراف نبوی وزیر صنایع سنگین، صنایع ایران پایه منحصا وابسته، ناقص و ضعیف، مشخص می شود... اینجاکامل وقاحت خنثی راه رهایی از این وضع تشدید وابستگی به غرب معرفی می کند... کمالا واضح بود که آدامه این به اصطلاح راه حل در صورت گاهنی درآمدهای ارزی آسیب های جدی به صنایع کشور وارد خواهد شد... با توجه به اینکه درآمد ارزی رژیم اساسا به میزان صادرات نفت و دلار آمریکا می وابسته است و با در نظر گرفتن اینکه هر دو عامل به نوبت با از رچایش و سیاست های اقتصادی قدرت های امپریالیستی، به ویژه امپریالیسم آمریکا به منظور تامین حداکثر سود انحصارات امپریالیستی، وابستگی شدید دارد، پیش بینی کاهش درآمد ارزی کار منفکی نبود... در سال گذشته قیمت نفت از شبکه ای ۲۸ دلار به شبکه ۵ دلار سقوط کرد... در ماه های اخیر نیز ارزش برای بری دلار در برابر ارزهای اروپایی حدود ۴۰ درصد پایین آمد... بدین ترتیب در شرایطی که بخش بزرگی از درآمد ارزی صرف هزینه های جنگی می شد، صنایع کشور ما که به دلیل وابستگی به انحصارات امپریالیستی، سوم بریت چون اعتبار برکن شخص

اکنون به گفته نخست وزیر خمینی " حجم وسیعی از ظرفیت صنعتی کشور به خدمت جنگ گرفته شده است... خطیفه جمارا از قصد ارتدست و نیست مردم رنج دیده ما را در آتش جنگ جتا بیت کارانه اش بسوزاند... او با نظامی کردن هرچه بیشتر صنایع و دیگر موسسات و شرکت ها، بخش عظیمی از امکانات اقتصادی و فنی کشور را در خدمت اهداف پلید خود بر باد داده و می دهد... با بدیاد نظامی شدن صنایع کشور با سیاستهای جنگ طلبانه رژیم خمینی مقابله کرد... کارخانجات بایسد در خدمت مردم بود... و برای تامین وسایل مورد نیاز جامعه کار کنند... در مبارزه علیه نظامی کردن واحدهای تولیدی نقش تعیین کننده در درجه اول بر عهده کارگران این واحدها است... کارگران باید با توسل به اشکال مختلفی علیه اجرای سیاست نظامی کردن صنایع کشور مبارزه کنند و اجازه ندهند که رژیم روزگمت آنها در خدمت آدامه جنگ قرار گیرد...

اصحاب کارگری... بطور کلی هسته های مخفی کارگری در بسیاری از واحدهای مهم هنوز آچنانکه باید تکمیل نشده و جالی واقعی خود را پیدا نکرده اند... مضافا بر اینکه میان فعالین و پیشروان کارگری متعلق به نیروهای سیاسی مختلف نیز هنوز هماهنگی لازم بوجود نیامده و این نقش عامل پیشرو در شرایط تشدید فاشا رژیم علیه طبقه کارگر، مهم تر و حساس تر می کند... عنعنم جدید در روندهای اعتراضی جاری و یکی از دلایل گسترش دامنه اعتراضات توده ای کارگران، به سبب گرفتن اختلافات درون جناحی حکومتی است... این عامل بطور کلی زمینه افشاکری ها و اعتراضات موضوعی را فراهم کرده است... صف آرای نیروها و عوامل وابسته به رژیم، که بطور فزاینده ای تا اعمال جاسم دمری گسترده، بطریق اولی در مبارزات اقتصادی رژیم بویژه در واحدهای کلیدی تولیدی و خدماتی انعکاس می یابد... و این امر برای پیشروان و فعالین صنایع و معادن مجال کار افشاکرانه و آگاهگرانه وسیع تر و موثرتر را نه تنها علیه این بیان، عامل، این سرمایه دار، بلکه علیه رژیم سرمایه دار حاکم فراهم می سازد... در اعتراضات بزرگی چون اعتصاب کارگران

صنایع کشت ملی و کشت و صنعت کارون، قطع نظرا از انگیزه عینی نیرومند جنبه خود بخودی آن، علاوه بر نقش معین سازمان نگرانه پیشروان و فعالین کارگری آنچه که مشهود بود، تا شرکت گاش درونی عوام مل حکومت برافزایش امکان ت پیروزی اعتصابات بود... با بدیاد ملیت این چون تغییر مدیریت و با خلق بد از این با آن مقام مسئول را با توجه به مافع این با آن جناح حکومتی و عوامل ارگانهای مشخص آنها نیز ارزی کرد... با بدیاد توجه که مطالبات مطرح شده در اعتراضات قطع نظرا از اینکه این با آن جناح حکومتی یا عوامل شان در آن ذینفع باشند، آن مناطق بر شعارهای جنبش کارگری و مصالح کارگران هست یا نه؟ استفاده از تضادهای درونی حکومت و کشاکش عوامل آن، و استفاده از همه امکانات علنی (در تلفیق با کارمخفی) برای سازماندهی اعتراضات توده ای کارگران و رهبری اعتصابات آنها و نتیجه این با این ملاک باید صورت گیرد... تا که بدترین اصل، از آنرو ضروری است که با تشدید اختلافات درون حاکمیت بدال قدرتی به خانه کارگر، انجمن های اسلامی، سوم بریت ها و اشواع ارگانهای وابسته به رژیم در کارخانجات نظیر بسیج کارگری سیاه، اداره حرارت و غیره نیز کشیده می شود... و جناحهای حاکم برای بدست گرفتن اهرم های اقتصادی و مواضع کلیدی،

دولت جمهوری اسلامی برافشاکر کارگران، تصمیم گرفت بدنیا ل افزایش ۴۰ ریال به سطح حدا قصل دستمزدها، ما هانه ۲۰۰ تومان نیز سهمیه غیر نقدی به عنوان کمک هزینه برای کارگران تا مهال درنظر بگیرد... شوریالی کار در این رابطه اعلام کرد: ۶ قلم کالای اساسی (برنج، روغن، کره، گوشت سفید، پنیر و عدس) از طریق اتحادیه امکان در اختیار کارگران قرار میگیرد و به منظور تامین نیاهای این طرح، ۶۰ میلیون دلار از سوی نخست وزیر اختصاص یافته و بقیه نیاهای ضروری با استفاده از ارز ترجیحی تامین می شود...

اما بگفته پس از اعلام این تصمیم، وزارت کار و دیگر ارگانها برای سخت تر کردن شرایط استفاده از این سهمیه تمهیداتی بقرار زبردیدند: عدم پرداخت وجه مربوطه (۲۰۰ تومان) از جانب کارفرمایان در مهال مقربه منزلت عدم کارکرد کارگران تلقی گردیده و به کارگران در آن ماهین کار لاطلق نخواستند... به کارگرانی که یک روز در ماه غیبت داشته باشند کالای کالای نمی گیرد... دریافت شناسنامه کارگری دریافت بن الزامی است... و قید و شرط و پیمانهای بی اساسی دیگر... اما گویا این محدودیت ها موافق نبود... لذا قرار شد در انجام این امر نیز به هم ارگانها نیاهای ذیربط و دالیه "ذینفع" فعال شده و به جردنیوی خود برسند... علاوه بر وزارت کار رفتار شده های دیگری مثل ستا بدیج اقتصادی کشور، و واحد توزیع مواد غذایی، اتحادیه امکان وزارت بازرگانی، بر اساس مصوبه شوریالی کار با یکدیگر همکاری و هماهنگی کنند بدین ترتیب کارگران تا کنون با یک گردنه گیر مثل وزارت بازرگانی مواجه بودند اینک چپا ارگان "ذینفع" دیگر نیز به آن افاقه ندهند، تا به کمک یکدیگر محموله را "صحیح و سالم" بدست کارگران و اجدا شرایط برسانند...

آری، کلوله برقی شوریالی کارا بنظور دست بدست با اول، شوریالی کار گفت: کالاهای اساسی تعیین شده صرفا از طریق اتحادیه امکان تامین شود... بر این اتحادیه امکان بلا قاطله در تاشید و تکمیل آن، گروه عدس و گوشت سفید را از فهرست کالاهای اساسی حذف کرد... بعد وزارت کار "تکلیف" اساسی مشخص را بنظور کلی و مهم تفسیر کرد: "برخی کالاهای ضروری و غیر ضروری" و سرانجام برای تضمین کامل اجرای مصوبه و تفه کردن بن غیر نقدی "همکاری و هماهنگی" هم ارگانهای ذیربط لازم آمد و فی الفوریت تولیدی از گردنه گیران وزارت بازرگانی گرفته تا اتحادیه امکان تشکیل شد... بدین ترتیب کلوله برقی دست بدست گشته، زمانی به دست کارگران خواهر سرید گشته تنها از آن نقطه ای باقی خواهد ماند... و

واقعیت آنست که فاشا بحران و جنگ و گران و تورم کم رشن کارگران و فساد آنها و مقامات دولتی آنچنان شدید است که اینگونه مصوبات ظاهرا صلاح دردی را از کارگران دوانخواهد کرد... بدون پایان دادن به جنگ، بدون افزایش دستمزدها متناسب با سطح هزینه زندگی، بدون تثبیت قیمتها و تثبیت شما و نتیجه ای صرف کارگری، بدون کنترل اتحادیه امکان توسط آنها و بدون توزیع عادلانه کالاهای اساسی و ضروری، اقدام دیگری در این شرایط قادر به تعدیل فشا رهای وارده بر کارگران نیست...

سعی کرده و می کنند از مطالبات و نیروی کارگران علیه جناح رقیب استفاده کنند... پیشروان کارگری با بدیاد بیبندی به اصل فوقا مکان این سو استفاده ها را از آنها بگیرند... پراکنندگی در صفوف کارگران، توفیق درخششی کردن توطنه های عوامل رژیم و سازماندهی جنبش اعتراضی کارگری در راستای سیاست طبقه کارگر، مصالح جنبش خلق و علیه مجموعه دستگا ها که را دشوار خواهد کرد... مهم ترین وظیفه فعالین کارگری در این شرایط یعنی در شرایط انعکاس فزاینده تضادهای درونی حکومت در واحدهای تولیدی و خدماتی عبارت است از: ایجاد و تکمیل هسته های مخفی کارگری و استفاده از همه امکانات علنی برای سازماندهی اعتراضات کارگران... تلاش برای هماهنگی و اتحاد عمل میان همه فعالین پیشرو کارگری برای بشیرد مبر زراتصنعی و سیاسی کارگران... کار افشاکرانه و آگاهگرانه مستمر در میان توده کارگران در توضیح ماهیت اختلافات درون حکومتی و ماهیت فدمردمی و فداکارگری رژیم جمهوری اسلامی، استفاده از تضادهای و کشاکش های درونی مقامات و جناحهای مختلف رژیم و سوق دادن مبارزه علیه مجموعه رژیم، برای برانداختن کامل آن

کارگران پیشرو! هسته های مخفی کارگری را سازمان دهید، از همه امکانات علنی برای سازماندهی مبارزات کارگران استفاده کنید

نهمین کنگره جهانی زنان در مسکو



★ هیات نمایندگان سازمان در کنگره جهانی زنان، سیاستهای قرون وسطایی رژیم خمینی علیه زنان را افشاء کرد.
★ سازمانهای زنان شرکتکننده در کنگره، با زنان زندانی ایران اعلام همبستگی کردند.

زنان و کودکان ایران پرداخت. هیات نمایندگی سازمان برحایت کنگره، سازمانها و شخصیت های شرکتکننده از خواست مردم، بویژه زنان ایران برای برقراری صلح تا کیدگرخواستار همبستگی و پشتیبانی بیش از پیش سازمانها و محافل مستقل بین المللی از مبارزه زنان ایران با ظلم، آزادی و برابری شد. بسیاری از سازمانهای زنان شرکتکننده در کنگره، همبستگی عمیق خود را با زنان زندانی ایران اعلام کردند.

کنندگان تبریک گفت. وی در بخشی از سخنان خود گفت: آنچه که زنان به جامعه می دهند و آنچه که جامعه می تواند به زنان بدهد، بستگی به استعداد جامعه دارد که تا چه میزان حقوق واقعی زنان را به آنان بدهد. وی سپس در مورد آنچه که سوسیالیسم به زنان شوروی داده است گفت: "زنان شوروی حقیقتاً از حقوق برابر با مردان برخوردارند و به برابری برخوردارند... در میان متخصصان در سطوح عالی و متوسط زنان ما ۶۰٪ را تشکیل می دهند. در این کنگره از سوی جنبش دمکراتیک زنان ایران دو هیات (هیات نمایندگی شعبه مرکزی زنان سازمان و هیات نمایندگی تشکیلات دمکراتیک زنان ایران) شرکت کرد. هیات نمایندگی سازمان با حضور در کمیسیونها، گروه های ها و جلسات، عرصه های مختلف سیاست ارتجاعی و قرون وسطایی جمهوری اسلامی در مردمان ایران را افشاء کرد و خواهان تحکیم پیش از پیش همبستگی زنان ترقیخواه و دمکرات جهان با زنان ایران شد. با توجه به شعار اصلی کنگره یعنی "پیش سوسیالیسم سال ۲۰۰۰ بدون سلاح هسته ای" هیات سازمان سیاست جنگ افروزان رژیم جمهوری اسلامی در حفظ و گسترش کانون تشنج و نا امنی در منطقه را وسیع افشاء کرد. وی به توضیح آثار فاجعه بار جنگ در زندگی

نهمین کنگره جهانی زنان در قرون وسطایی از روح تفاهم و همفکری به رسم خطوط سیاست جنبش دمکراتیک جهانی زنان برای تحقق اهداف کنگره و اتخاذ تصمیمات معینی برای بسیج سازماندهی و هدایت مبارزه زنان جهان در راه صلح کامل و همگانی، مبارزه در راه تامین برابر حقوقی زنان با مردان و ترقی اجتماعی پرداخت. شعار پیش بسوی سال ۲۰۰۰ بدون سلاح هسته ای بخاطر صلح، برابری و پیشرفت برای اسلح جمع بست و تحلیل شرایط جهانی و مصالح مجموعه جنبش جهانی زنان تعیین شده است. جنبش زنان در هر کشور جدا - جدا با حفظ ویژگیها، مسایل و مشکلات خاص خویش در تحقق آن ذینفع است. اکنون هستی زنان و کودکان در همه مردم کشور ما در آتش جنگ ۷ ساله خاکستری شده است. ما بین صلح ایران و عراق خواست عادلانه مردم میهن ما علیه رژیم فئودرالی و جنگ افرور جمهوری اسلامی و فذخوون نظامی آمریکا لایزم در منطقه است. و به تامین امنیت و صلح جهانی کمک می کند. با بدست زرات زنان شتمند میهن ما بویژه زنان جنگ زده و خانواده شهدای جنگ در راه صلح سازمان با بدو در راه تحقق شعار کنگره، برای برابری زنان و وراهی آنان از قید رژیم فئودرالی و وزن ستیز جمهوری اسلامی مبارزه شدید کرد.

برای زنان هیچ سعادت یا لاتراژ آن نیست که آسمان را پاکیزه ببینند و خنده شادمانه کودکان را بشنوند. زن آفریننده زندگی است و از همین رو مسئولیت بزرگی برای حفظ آن، یعنی برای حفظ زمین که زندگی در آن جاری است، احساس می کند و آگاه و مصمم برای برداشتن شمشیر هسته ای که بر فراز زمین آویخته است، و فرود آن بر شریعت و تمدن بشری را در فاجعه ای ابدی فروخواهد دهرید. تلاش می کند. پیش بسوی سال ۲۰۰۰ بدون سلاح هسته ای؛ به خاطر صلح، برابری و پیشرفت؛ نهمین کنگره جهانی زنان در مسکو برگزار شده است. هیات نمایندگی زنان و دعوت کمیته زنان شوروی تحت این شعار از ۲۳ تا ۲۷ ژوئن (۲ - ۶ تیر ماه) ۱۳۶۶ در مسکو برگزار گردید. کنگره با شرکت نمایندگان سازمانها و محافل زنان ۵ قاره از ۱۵۰ کشور، همبستگی زنان جهان را که با دیدگاه های سیاسی و خواستهای طبقاتی گوناگون برای صلح درونی زمین پیگیر می کنند، به نمایش گذاشت.

کنگره با حضور ۲۸۰۰ نماینده، کار خود را با سخنرانی افتتاحیه پر فراوان برارون رئیس فدراسیون دمکراتیک جهانی زنان "آغا زکریا" در مسکو افتتاح کرد. آغا زکریا دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی سخنرانی پرشوری افتتاح کنگره را به شرکت

اعتصاب پیروزمندگان رگوان کفش ملی

گروه صنعتی کفش ملی تحت پوشش صنایع ملی ایران که بیش از ۳۰ شرکت فعال و بیش از ۱۲۰۰ پرسنل دارد زیر نظر هیات مدیره چهار نفره عبدالحمیدی، رنجانی، ضراغی و برادران اداره می شود. کارگران این گروه بطور معمول در هفته ۴۴ ساعت کار می کنند تا اینکه هر زمان که هیات مدیره خود را با ساعات کار را به تعجب می کند و بسبب این بختنا همکاران اعتراض می کنند. بدینسان این بختنا همکاران اعتراض می کنند. نامهای خطاب به وزارت کار نوشته و خواهان رسیدگی شدند در همین زمان بسمه کارگران اعلام کرد که فقط در برابر ۸ ساعت کارگران در مقابل حوادث محید کارهای سنگین و بیش از ۸ ساعت کار را برسمه فواد در صورت آغاز کار در تعیین می پذیرد. وزارت کار هم ترتیبش با اعتراض کارگران نداد.

بر اساس گزارشات دریافتی ما روز ۱۰ خرداد که اولین روز کار طبق موبه جدید هیات مدیره بود کارگران بصورت یکپارچه که بیش از ۱۰۰۰۰ نفر بودند ساعت ۱۴/۳۰ دست از کار کشیدند و بطرف سرویس هسا جهت رفتن به منازل خود حرکت کردند که متوجه شدند آسرویس خرابی شست و ساعت بعد از آن دست از کار کشیدند. تصمیم به مقاومت و اعتراض گرفتند و با شعار دادن به راهپیمایی در محیط کارخانه دست زدن آنها شعار میدادند "مرگ بر رنجانی"، با دامن تلویدار که خورده رنجانی و با توجه به اینکه زنان کارگر به صودان بیوسته بودند شعار داده می شد "زنان به ما بیوستند بی غیرت ما نشنند" که اشاعت به دنبال راهروان انجمن اسلامی و احیوی کارگران شدیدتر شد. کارگران فردا مسئله حل نشود جاده هر چه را سد و خوار خواهند کرد. صبح روز بیست و یکم ۶۶/۲/۱۱ نما یگان وزارت کار جهت مذاکره با هیات مدیره به کارخانه آمدند. کارگران با بیان مذاکرات پاسخ نمانده وزارت کار کارگران را قانع ساخت و کارگران را راهپیمایی و شعار دادن را به جا دعوت کرد. کارگران در اعتراض به هیات مدیره موقتیت خانه یافت.

بعد از این حوادث از طرف دادستان علی عسکری از کارگران را احضار کرده، بدون تلاش می کند بدینوسیله در کارگران ایجاد در عیب و وحشت کند که موثر واقع نمی شود.

درباره جمهوری نوده ای مغولستان
بقیه در صفحه ۱۰
همه دستاوردهای مغولستان توده ای در عرصه داخلی و بین المللی تحت رهبری حزب انقلابی خلق مغولستان بدست آمده است. همبستگی انترناسیونالیستی سازمان ما و حزب انقلابی خلق مغولستان در برقراری استحکام روابط دوسازمان و ملاقات های مستقیم نمایندگان آنان و دیدارهای هیات نمایندگی سازمان از آن کشور نیز رونق بیشتری یافت. قسلاً از سازمانها و هیات نمایندگی سازمانها در ملاقات اخیر شورتنی به مغولستان، دو هیات نمایندگی دیگر از آن کشور دیدار کرده بود. هیات قبلی به دعوت حزب انقلابی خلق برای بازدید از دستاوردهای مغولستان از آن کشور دیدار کرد. اولین هیات نمایندگی سازمان در کنگره ۱۹ حزب شرکت کرده بود.

برای مقابله با جنبش انقلابی و سیاستهای پیشگراانه جهت کنترل و سرکوب جنبش مردم و هدایت افراد دستجات مزدور، جاسوس و جانیات پیش روی که علیه مردم و علیه فرزندان انقلابی خلق جایز نمیکند، فحشا و فساد دولتی برداری و زدنی سرگردان را رگانهای حکومتی، جزئی از اسرار حکومتی محسوب میشوند. دست بندیهای حکومتی و دیده بستنهای آنها با یکدیگر، اختلافات و تضادهای شخصی و سیاسی آنها و کمین مبارزه ای که بین آنها برای قبضه اهرمهای قدرت در جریان است، همه همگی از مسائل درونی "ساحه مقدس خلافت فقیها" بوده و از نظر سرگردان رژیم مومنانی به مردم ندارد. بر این سیاه می توان، تصمیمات پنهانی ارگانهای امنیتی بر علیه جنبش مردم، مکارنات و روشهای کار مومنانی و مسئولین آنها، جنایاتسی که در زندانها و شکنجهگاهها علیه بهترین فرزندان این مرز و بوم صورت میگیرد، اخبار رپیگردوسرکوب سازمانهای مبارز، مملو مارت مربوط به مطالبات و میسازات کارگران، زمینمکانن شهر و روستا، نیروهای مسلح، کارمندان و دانشجویان، اطلاعات واقعی مربوط به افلاک و ورشکستگی اقتصاد کشور و غیره را افشاء کرد.

این سیاه همگامی با کمینهای امنیتی و مفهوم اسرار دولت اسلامی را روشن میسازد و نشان میدهد که "اسرار دولتی" چیزی جز جنایات و فساد دولتی در رهبران و دولت جمهوری اسلامی علیه خلق نیست.

افشا شدن این مسائل بسود مردم خواهد بود و پنهان ماندن آنها در خدمت دولت مومنانی و بیشتر حکومت ننگین فقیها و طبقات ارتجاعی حاکم بر کشور است. و درست به همین جهت کسب هرگونه اطلاع، حتی جزئی، از این گونه مسائل و رساندن موقوف آن به دست رهبری سازمان و وظیفه انقلابی مردم در برابر اعضا و هواداران سازمان میباشد. اجرای این وظیفه یکی از زوج ضروری و مدام و قابل فعالیت انقلابی واقعی سازمان در داخل و خارج کشور است که با بدبختی اختصای نیرو و انرژی و بر اساس برنامهریزی معین، پیگیری و تحقیق شود.

این امر در عین حال یک وظیفه مبرم همگامی است و مختص نیروهای معتقد به سازمان ما و دیگر جریانهای ترقیخواه نمی باشد. کلیه عناصر مترافع، مدینه دوست و دمکرات داخل و خارج کشور که قادر وابستگی های معین سیاسی و سازمانی هستند نیز میتوانند با بدبختی و آردن رساندن معلومات و اخبار مربوط به مسائل که از نظر رژیم خمینی با بدبختی این سازمان به رهبری سازمان شرکت جویند. ترویج هر چه گسترده تر این ایده و ترغیب و تشویق آنان به انجام این وظیفه معین برتر است و شرافتمندانه، مکارنات مجموعه جنبش انقلابی را در مبارزه هر چه موثرتر علیه رژیم خمینی افزایش خواهد داد. این بخش از هم میباید ما در حقیقت ذخیره مهمی برای شرکت در سیاه گزارشگران میباشد.

در اجرای صحیح وظیفه خبررسانی به رهبری سازمان با بدبختی هر چه اطلاعات، دقیقتر، موثرتر، همه جانبه تر و تا زهتر می شود و بوقوع به دست رهبری سازمان برسد، به همان میزان و آکنش سازمانها دقیقتر و همه جانبه تر خواهد بود. رعایت این نکات در نشان دادن و آکنش مناسب و اتخاذ تصمیمات صحیح اهمیت جدی دارد و قابل بلایت اجرایی و قدرت تفوذ تصمیمات، شعبا و سیاست های سازمان را افزایش خواهد داد.

درباره خبررسانی به رهبری سازمان

یکی از وظایف دانشمندی مهمی که در برابر هر یک از اعضای و هواداران سازمان است، در داخل و خارج کشور، گزارشات و اخبار، کوشش منظم برای کسب اطلاع از وضع و اوضاع و احوال و رویدادهای مهم جامعه و جنبش و رساندن سریع آنها به رهبری سازمان است.

اطلاع دانشمندی از مسائلی که در درون دشمن، در جامعه و جنبش میگذرد، اطلاع دقیق از کمین و کجف دستهای پنهانی و گزارشات گوناگون درون حکومت و روابط پنهانی که بین آنها با محافل و جریانها مختلف درونی و بیرون کشور وجود دارد، اطلاع از تضامیلات سیاسی و روانی فشار و طبقات گوناگون جامعه، به طر محیح و محتر و بموقع شعراها کمک می کند.

همچنین بویژه در شرایطی که در شرایطی است که با بدبختی و کمینهای زیست شرطی است، مهم حفظ موجودیت و ادامه کار و ادامه و هسته های مخفی سازمان، اطلاع دانشمندی بموقع از سیاستها و تضامیلات پنهانی ارگانها و پیگیری سرکوب رژیم، مکارنات و تهور و شوهران روفع لیت آنان است. برای تحقیق منظم همه این امور به قول ننگین "سیاهی از گزارشگران لازم است که با همه جاد ارتباط برقرار سازند، بتوانند زهر گونه "اسرار دولتی" را بخیر شوند... به تمام "سوراخسینهها" راه یابند. بر این کار سیاه افرا دیلزام است که بر حسب شکل خود" موظف باشند همه جا حاضر باشند و از همه چیز آگاه باشند" (چه بیاید کرد؟)

از رژیم مستبد خمینی مثل هر رژیم خونخوار دیگری از اهمیت اطلاعات و معلومات واقعی در زمینه های مورد نیاز سازمانها انقلابی آگاه است که گزارشگران این رژیم بخوبی میدانند که دستهای جنبش انقلابی با این اطلاعات موجب تقویت و نیرومندی آن میگردد. رژیم خمینی بخوبی از نتایج و عواقب افشا و روشن شدن مسائلی که تحت پوشش "اسرار دولت و کشور اسلامی" استتار کرده است آگاه میباشد. و به همین جهت نیرو و مکارناتسی که در رژیم فقیها برای حفظ اخبار رنجانیتهای دستگا و سرگردانان خلافت خمینی و برقراری شدیدترین اسانور برساندهای گروهی، بیکار افتاده است. رگانهای امنیتی رژیم خمینی و دستگاها سانور وزارت ارشاد اسلامی نقش اصلی را در این زمینه بر عهده دارند. آنها مؤلفند اخبار و معلوماتی را که به نوعی از شاهپا نگار، و به کار گرفته اند، اخبار و جنبشها را زیر و زود است. و اگر آنها مختلف رژیم فقیها هستند، از دسترس جنبش و توده های میلیونی مردم دور نگه دارند، تا به طبقاتی مرتجعین حاکم بر کشور بخوبی اهمیت و نقش "افشاگری سیاسی" این سلاخیر و مند جنبش انقلابی کشور را تشخیص میدهند. آنها میدانند که افشاگریها همبسیاری بخودی خود یکی از وسایل نیرومند نیروی شادندان خصم، یکی از وسایل جدا کردن متحدان، تمادفی با موقتی سوبیکی از وسایل ایجاد خصومت و عدم اعتماد میان شرکتکنندگان دانشمندی در دستگاها قدرت است. استبدادی است. (آثار منتخب چلده، ج ۳، ص ۲۳) شخص خمینی در طول این ۲۸ ساله خلافت خود، بارها این موضوع را به زبان آخوندی به شاگردان خود در حکومت گوزن زده است.

ضرورت در همین رگانه های دقیق تریه مفهوم "اسرار مملکت آخوندی" ندا خسته شود، بنده است که هیات پنهانی حکومت با آمریکا لیت همگانی و مرتجعین منطقه (مثل ماجرای مگ فارلین)، تصمیمات پنهانی

حقوق و امنیت قضایی در جمهوری اسلامی

حقوق و دولت اسلامی:

دولت سازمان اعمال قهریاتی است. اشکال اعمال حاکمیت کشورها در نظام حقوقی آن بیان می گردد. تحقیق و تفحص در احوال دولت بدون درک نظام حقوقی آن غیر ممکن است. حقوق مجموعه امری است که در قانونگذاریهاست. دولتها از آن مستوجب عقوبت و مجازات است. دولتها نقض کنندگان قوانین خود را توسط نیروهای مسلح، به طرق مختلف جزای دهند. قوانین مجازات حربه سازمان یافته مدون سرکوب دولتهاست. بنیادگذاران جمهوری اسلامی در مقام مقابله و سرکوب یکی از بی نظیرترین انقلابات دوران معاصر از موزه آثار عید متیق وینا مال الله حقوق منجمد و متروک اسلامی را بیرون کشیدند و بر بیکران انقلاب تزیین نمودند.

حقوق اسلامی از لحاظ تاریخی معروف جامعه عیسوی در حال گذار به فئودالیسم است که متناسب با عرف سنن و اخلاقیات با دیده نشینان سرزمینهای اقوام عرب بدیده آمده است. حقوق اسلامی با نضج فئودالیسم در مستملکات دستگاه خلافت اسلامی رشد و توسعه یافت و بر مبنای حقوق ابواب فقه نیز بنا به ملاحظاتی سیاسی اجتماعی در ادوار مختلف راه تکامل پیمودند و خود را بر مقتضیات تکامل مالکیت فئودالی و حاکمیت های سیاسی محلی دمساز نمودند. از مختصات حقوق اسلامی چه در طریقت سنی مذهبیان و چه شیعیان عدم تفکیک نظام جزایی از نظام حقوقی مالکیت است. این آمیختگی آنها نشانه عقب ماندگی فقه اسلامی از تطور و تکامل زمان و عدم تناسب مطلق آن با الزامات جامعه بورژوازی است.

اساس و اساس حقوق اسلامی را در عرصه مالکیت حفظ مالکیت خصوصی تشکیل میدهد. (الناس لیسلمون علی اموالهم و انفسهم). این ویژگی سخت موردا احترام بورژواهای مسلمان است. دلبستگی سرمایه داران و ملاکین بورژوا به اسلام از نظر طبقه ای ریشه دوان خصلت فقه اسلام دارد. (این ویژگی خاص ایبرن نیو دکلیه مثل مسلمان بویژه بورژوازی و خرده بورژوازی کشورهای عرب نیز شامل چنین تمایلی هستند). جزئیات اسلامی نیز مجموعه مقرراتی است که از مناسبات مالکیت خصوصی دفاع می کند و مخالفان و متجاوزان به حرم مقدس مالکیت را به وحشیانه ترین شیوه ها به مجازات می رساند.

در قوانین جزای اسلامی تفکیک منطقی بین جرایم عمومی و خصوصی وجود ندارد. این بسند مناسبت که در رژیم اسلامی نظام مجازاتها وسیله ای برای انتقام خصوصی است و جزئیات اسلامی فاقد کوچکترین عنصر اجتماعی و بازدارنده است. بدیهی است وقتی محکمه و قانون شروع در خدمت انتقام خصوصی باشد، عقوبت های شرعی وسیله ای خواهند بود بدست زورمندان و زورمداران بسیاری سرکوب توده های محروم. زمانمداران اسلامی و دارندگان مال و ثروت تحت توجه نظام قضایی اسلامی قادر خواهند بود درقبال پرداخت پول از مجازات برهند و اعمال شیعی خود را تکرار کنند. سه سال بر روشنتر در جامعه بورژوازی ایران که جزئیات اسلام بر آن حاکم است، حاکمان سرمایه همزمان هم رابرجمات استهلاک کننده و هرگاه نیز اراده کنند به پشت گرمی دستگاه قضایی مخالفین خود را به قتل می رسانند و به اعتبار موقعیت خویش از مکافات رهایی می یابند (تفسیر عمیق از ماده ۴۳ فصل پنجم از قانون حدود و قصاص)

منابع حقوق در رژیم جمهوری اسلامی:

هما نظور که متذکر شدیم در فقه که حقوق اسلامی منبعث از آن است بین جزئیات و حقوق مالکیت تفکیکی وجود ندارد. قوانینی که در رژیم جمهوری اسلامی جاری است عینا قواعد مضبوط در کتب فقهی است. فقهیها به اعتبار دستیابی به قدرت سیاسی همه شئون جامعه را در گنجا ب قوانین اسلامی فریخته اند. منابع مورداستناد در رژیم، نعل بالنعل همان مبانی عید عتیق احکام فقهی است. این مبانی عبارتند از: قرآن، حدیث و جماع و عقل (استنباط عقل در شرح نمی تواند از موازین اصلی مذهب فراتر رود). سنی مذهب بنیادگرا نیز بنا تھا و تنها بیسی به همین منابع استناد می جویند و از این باب است بنیادگرایان شیعه و تفاوت چندانی ندارند.

مقررات کفیری در اسلام:

مبانی مقررات جزایی اسلامی که هم اکنون علیه مردم ایران در دست اجراست، مقتضی از فقه

اسلامی است. قانونگذار رژیم جمهوری اسلامی در اجرای بدون خشنه این مقررات و حقیقتا به عینا این موازین را از تحریر لوسیله خمینی که آن نیز ترجمه بی گم و گاست از متون فقهی فقهای متقدم چون شهید اول و صاحب جواهر و سرداشتی از کتب محدثینی مانند بیوقوف کلینی است، اخذ کرده و به صورت قانون مدون در آورده است. مجازاتهای اسلامی به چهار دسته تقسیم می شوند (قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۲۱ مهر ماه ۱۳۶۱ مواد ۷۵ و بعد): ۱ - حدود ۲ - قصاص ۳ - دیات ۴ - تعزیرات تاکنون بیش از ۶۲۹ ماده قانونی راجع به مجازاتهای اسلامی به تصویب رسیده است. تشریف تفسیر این حجم عظیم از مواد کفیری از حوصله این نوشتار خارج است و تنها به تفریق مجازاتهای اسلامی و ذکر نمونه های از هر یک اکتفا می کنیم:

۱ - حدود: حدود جمع حد است و آن نیز مجازاتی است که مقدار و کیفیت آن در شرع تعیین شده است. از قبیل حد زنا که در جم (سنگسار) است (ماده ۱۰۰) یا حد نوشیدن مشروبات الکلی هشتاد ضربه تازیانه است (ماده ۱۳۱) و یا حد مفسدت الارض. قانون کفیری اسلامی کیفیت اجرای حد مسگر را چنین توصیف می کند:

ماده ۱۳۲ قانون حدود و قصاص: مرد در حالی که ایستاده یا شاد و پوشاکی غیر از ستر صورت نداشته باشد و زان را در حال نشسته که لباسهایش به بدن او بسته باشد، تازیانه می زند. ماده ۱۳۵ قانون مذکور: هرگاه کسی چندین بار شرب مسکری نماید و بعد از هر بار حد را جاری شود در مرتبه سوم کشته می شود. ماده ۱۳۳ - خوردن مسکر که زیاد است بکنند یا نکنند خالص یا شاد یا مخلوط موجب حد است. مجازات کسانی که در قوانین اسلامی اتهام آنها محاربه و قسادی الارض است، حد است.

حد محاربه و مفسدت الارض به چهار طریق به اجرا در می آید (ماده ۲۰۲ قانون حدود و قصاص): ۱ - قتل ۲ - آویختن به دار ۳ - قطع دست راست و پای چپ ۴ - تعزیر

انتخاب هر یک از این مجازاتهای وحشیانه منحصرا در اختیار حاکم شرع است. ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی مفسدت الارض را چنین تعریف کرده است:

هر گروه یا جمعیتی که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه نکنند، تمام افراد و هواداران آن گروه یا جمعیت را می دانند و بنحوی در پیشبرد اهداف سازمان فعالیت و تلاش میورند، محاربه را در شاخه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند، همچنین جبهه متحدی از گروهها و اشخاص مختلف تشکیل شود و در حکم واحد است. یا برای جرم سرت نیز مجازات حد مقرر شده است.

حد سرت به این ترتیب است که در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست از انتهای آن بطوریکه فقط انگشت وسط و کف دست او باقی بماند به اجرا در می آید و در مرتبه دوم پای چپ سارق قطع می گردد و در مرتبه سوم مرتکب به حسی ابد و در مرتبه چهارم حتی اگر در زدن دزدی کند، حدش اعدام است. (ماده ۲۱۸ قانون حدود و قصاص) منظور از مفسدت الارض ملاحظه می شود قانونگذار اسلامی هیچ تفاوتی بین جرایم سیاسی و جرایم جنایی قایل نیست و مجازات حد برای کلیه مجرمان عادل و سیاسی به وحشیانه ترین شکل به موردا اجرا گذاشته می شود.

۲ - قصاص: عبارت از ارتکاب جنایت علیه شخصی که مرتکب قتل و ضرب و جرح شده است. قصاص در مجازات اسلامی به دو دسته تقسیم می شود: قصاص نفس (قتل) و قصاص عضو. در قصاص نفس ورتشه مقتول می توانند تقاضای رابه همان کیفیتی که مرتکب جرم شده به قتل برسانند. در صورتی که اولیای دم (و رتشه مقتول) از قاتل دیه (خون بها) دریافت دارند، قاتل بدون قید و شرط آزادی می شود و از مجازات معاف می گردد. کسی که جنایت نسبت به او صورت گرفته می تواند متقابلا به همان ترتیبی که نسبت به او ضرب و جرح و ارتدنده، مجرم را مجروح و یا مدموم نماید. مثلا اگر کسی دست دیگری را قطع کند، طرف مقابل نیز دست مرتکب را قطع خواهد کرد و یا اگر چشمی در اثر جرم کور شد، می تواند چشم مجرم را کور نماید. در کلیه این موارد مجرم در صورتی که شخص مورد جنایت را از بی گناهی بیگانه دیه نماید، از مجازات معاف گردیده و فوراً رها خواهد شد.

۳ - دیات: دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو، به مجنی علیه یا به ولی یا اولیای دم (ورثه) داده می شود (ماده یک قانون مجازات

اسلامی) بر این اساس هر کسی که مرتکب جنایتی گسرد می شود باید پرداخت دیه که مقدار آن در قانون مشخص گردیده و کسب رضایت مدموم و محروم و یا ورثه مقتول از کفیر برهد. ماده ۲ تا ۲۲ قانون مجازات اسلامی به شرح موارد مختلف میزان دیه اختصاص یافته است. بطور مثال در ماده ۳ از قانون موموف دریا ب دیه قتل نفس، دیه (خون بها) قتل مرد مسلمان چنین پیش بینی گردیده است.

ماده ۳ - دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور شگانه ذیل است که جانی (قاتل) در ارتکاب هر یک از آنها مخیر می باشد و متلفیق آنها جایز نیست:

- ۱ - یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد (در خصوص شتر لازم است که سن آنها از پنج سال گذشته و داخل در سال ششم شده باشد). ۲ - دیست گاو و سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد. ۳ - یکبزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد. ۴ - دیست دست لباس از لجه های یمن ۵ - یکبزار دینار مسکوک سالم و غیر مفشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است. ۶ - ده هزار دینار مسکوک سالم و غیر مفشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره می باشد. قانونگذار اسلامی از شرط دقت و موثقتی در اجرای عدالت اسلامی برای بیضه، نشیمن گاه و مردن سگ شکاری و سگ کله و سگ مزرعه نیز با وسواس تمام دیه خاص مقرر کرده است.

۴ - تعزیرات: تعزیرات ادیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرح تعیین نشده و بنظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که بایستی از تعداد حد کمتر باشد. در اجرای مجازاتهای تعزیری در ظاهر هر فردا را ن فقه بیو یا واجتبه مستمتر، توارشته اند، حرف خود را به کسی بنشانند و عرصه قانونگذار را برای جرایمی که معمولا در جوامع بورژوازی امکان بروز و وقوع یافته اند، تعیین مجازات کنند و از این لحاظ از مدافعان فقه سنتی عقب نمانند. در حال حاضر بسیاری از قوانین مجازات دوران استعماری به سبب تغییرات اندکی و افزودن مجازات شلاق به مجازاتهای سابق مانده است و تعزیرات رسمیت یافته اند. مانند جرم برهه "منبت داخلی مملکت" (ماده ۵ قانون تعزیرات) جرایم برهه اش عمومی جعل و تزویر و غصب عینا وین و مشاغل در جرایم منجمد و زورا و ماورین دولتی، تخلفات رانندگی.

آیین دادرسی اسلامی

اصول محاکمات جزایی عبارت است از ترتیبات و قواعد از پیش تصویب شده برای کشف و تحقیق بیرون جرایم ارتکابی. در حقوق جدید، آیین دادرسی مبتنی بر اصل برائت کلیه افراد است و تعقیب متهمان تنها پس از احراز دلایل و قراین موج و ویسی از کسب دستسور از مقامات قضایی ملاحظه است. در ایران نیز بر این اساس است. آیین دادرسی حاوی قواعدی است که در آن حقوق افرادی که در مظان اتهام قرار دارند، تا قبیل از ثبوت قطعی جرم تضمین می گردد و متهمان از حق دفاع علنی و اخذ وکیل مورد نظر خویش در کلیه مراحل دادرسی برخوردارند. بنا بر اصول محاکمات دنیای متقدم، در جرایم عمومی و خصوصی قبیل از اثبات جرم، معترض هیچ کس بیج عنوان نمی توان شد. گرفتن اقرار به زور یا طرح سئوالات انحرافی که منتهم را اذرا به اظهار مطالبی علیه خود نماید ممنوع است. اذرا اقرار از طریق شکنجه ممنوع و چنین اقرار بی قاضی از روش قضایی و اثباتی است. در حقوق اسلامی مقوله ای بنام آیین دادرسی جزایی وجود ندارد. در فضای اسلامی حاکم شرع نقش مدعی، دانستن و قاضی را توارا ما باقی می کند. حاکم شرع اسلامی در صدور حکم فعال مایشاء است و بایبند به رعایت هیچ موازینی در قضاوت نیست. "اسلام در باب قضا و لویب رابه قاضی داده" (ما نعیه) اخرداد ۶۳ - رادیو جمهوری اسلامی. و هیچ فایده ای در رعایت حقوق متهم رعایت نمی گردد. اختیارات نامحدوده حاکم شرع بکرات موردا بید و تصریح مقامات رژیم قرار گرفته است:

در اسلام قانون مدون نداریم و روش چنان بوده که ابتدا قاضی از حد جدا جتفا دودعا لت تربیت می کردند و آنگاه قاضی از ادب و براساس علم خود قضاوت کنند (ربیبس قوه قضاییه)

فرخوان همبستگی با دلیران در بند

در ماههای گذشته زندانیان سیاسی ایران همچنان شاهد بیگانه‌سازی و قهرمانان بود. شیران در بند، سیران و بیبهارا استبداد دوقرون وسطایی به مقاومت مبارزه با رژیم تاحصینی در برابر ظالمان رژیم دست دند، زندانیان در فاصله ۷ ماهه از آزاده سال گذشته تاکنون - شادمانه حرکت گسترده اعتصابی بوده است. پس از اعتصاب غذای قهرمانان - نهمه زندانیان اوین و گورهدشت در آزاده سال پیش، گریزی زندانیان گورهدشت با پاسداران در اردیبهشت از سال روی داد که نتیجه توهمین و خونگشت زندانیان در جریان رستماری بود. همزمان با اعتراض زندانیان گورهدشت، زندانیان سیاسی ایران اوین هم در حال اعتصاب غذا بودند، اعتصاب خیریت‌آمیزی روی داد که رژیم با آغاز ماه رمضان برای واداشتن همه زندانیان به روزه گرفتگی - جاری تنها یک نوبت غذا در شبانه روزه آنها بی داد و بیداری اعمال فشار بیشتر زندانیان در بروشگاه زندان رانیز تعطیل کرد. در نتیجه امکان فرید غذا با هزینه شخصی نیز از زندانیان سلب شد. به دنبال این حوادث اعتصاب غذای زندانیان سیاسی آغاز شد. گروه‌های خمینی از ترس واکنش جمعی خانواده‌ها، ملاقات آنها را با اعلام خبر "شروع بیماری سل در زندان" قطع کردند شروع به آغاز روشنگری زندانیان، انتقال آنان به سلولهای انفرادی و شیوه‌های دیگر اعمال فشار نمودند. اما با بیداری دلاورانه فرزندان رشید خلق بر شلاق و گلوله و ددمنشی مزدوران خمینی پیروز گردید و مسئولین زندان را سرانجام مجبور شد تا نروشگاه زندان را بازگشایند.

اعتصابات چند ماهه گذشته در زندانیان سیاسی مرحله‌ای نوین در مبارزه با انقلابیون اسیر است. این نخستین بار در چند سال اخیر است که در سراسر جهان جمعیت‌های اسلامی، زندانیان سیاسی متحد و یکپارچه به چنین اعتراضات گسترده‌ای دست می‌زنند، ارزش و اهمیت این اعتصابات زمانی آشکارتر می‌شود که می‌دانیم در اوین زندانیان رژیم خمینی هیچ ابایی از گشتار دسته‌جمعی معترضین در زندانها نیز ندارند. به بیان دیگر همزمان قهرمانان مساعلی‌زخم این احتمال که ممکن است جان خویش را در چنین اعتصاباتی از دست دهند، دست بی‌مقاومت و مبارزه در زندانها زده‌اند. نتایج این مبارزه قهرمانانه هم در داخل کشور و هم در افکار عمومی جهان اثبات مکرر این امر است که جویبه‌های اعدام، مایه‌دین نیروانواع وحشیانه ترسین شکنجه‌ها نتوانسته‌است راه یکجاریان راستین خلق را سد کند و نتوانسته‌است آنها را از آزاداندیشیدن

باز دارد، مبارزه و مقاومت زندانیان سیاسی شکست قطعی و بیبهره‌ای تلاشهای ایشان داد که گرانندگان رژیم برای درهم شکستن روحیه مقاومت و مبارزه، در زندانیان با امید بسته بودند. ایمان و اراده فرزندان فرزندان قهرمانی در خلق بهیچیت، مقاومت و جانورمنشی قرون وسطایی رژیم خمینی را به زانو در آورد. ثابت شد که تلاش‌های رژیم برای ایجاد فضای وحشت و تسلیم در زندانیان و به تبع آن ایجاد جوترس و انفعال با شکست روبرو شده است خواه‌شهای زندانیان اعتصابی در عین حال به مردم ایران و جهان نشان داد که آنان در چه شرایط غیر انسانی زندگی می‌کنند و برای کسب چه حقوق ابتدایی می‌زنند. وسر انجام اشیا گردید رژیم که هر لحظه در آرزوی به خون غلطاندن تمامی زندانیان مبارز و مقاومت سیاسی است، چگونه در برابر مبارزه متحدانه آنها و حمایت‌های گسترده مردم ایران و افکار عمومی جهان مجبور به عقب نشینی می‌گردد. ما و ماورای ما هجالتی رژیم بلافاصله باید از اعتصابهای اخیر اوین دست بردارند اما اقدامات تلافی‌جویانه و انتقامی زده‌اند. اخباری که این روزها از زندانیان رژیم به دست ما رسیده، حاکی از آن است که تعداد دیگری از زندانیان مبارز را با رژیم‌گردانان و افراد بی‌انصافی متعلق کرده و به روشنگری کشیده‌اند. فعالین اعتصابات و از جمله تعدادی از زندانیان خلق در شرایط فوق العاده خطرناکی قرار دارند. وحشیانه‌ترین جنایت پاسداران، محله به زندانیان زن در زندانیان اوین، ضرب و شتم و هتک حرمت این شیر زنان انقلابی بوده است. تعداد زیادی از آنها به شدت مجروح شده‌اند.

ما با ریدیکوله نیروهای مبارز و آزادبخواه را فراموش نمی‌کنیم. ما مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را تشدید می‌کنیم. رفقا اسیر ما که در زیر شکنجه‌ها و شکنجه‌ها از شرف خویش و سازمان‌ها ریزنده‌ها را دلورانه دفاع می‌کنند، همراه ما ریدیکوله‌های سیاسی زندان، به مبارزه یکپارچه و همگانی ما برای آزادی خود امید بسته‌اند. با یک توجه افکار عمومی را جامعه و جهان را به جنبه‌های سیاسی که در پشت دیوارهای زندان رژیم جمهوری اسلامی رخ می‌دهد، جلب کنیم. دنیا باید بدانند که در جمهوری اسلامی قانون جنگل حاکم است. همه باید جنبه‌های رژیم و اخبار مبارزه زندانیان سیاسی را گوش مردم برسانند. به هر طریق ممکن خانواده‌های زندانیان سیاسی را یاری کنند و اخبار منتقل بشتیبانی‌ها و مبارزات توده‌ها را به زندانیان منتقل کنند. اعضا و هواداران سازمان در خارج کشور باید با فشاری در درگاه‌های گروهی و مطبوعات مترقی جهان با ترجمه قابل‌اندیشی با سازمان برای آنها، جمع آوری امضا، سازماندهی تظاهرات، تخصص و اعتصاب غذا و سایر اقدامات جنبش همبستگی بسازند

از مضمون اجتماعی خود از نظر سیاسی در طبق خود جدا می‌دین از دولت را طلب می‌کرد. در ۱۱ شهریور ماه ۱۳۹۰ برای نخستین بار قانون آیین دادرسی کیفری با نام قوانین موقتی محاکمات جزایی به تصویب رسید. این قانون‌گامی مهم در عرصه مذهبی کردن دادرسی در ایران محسوب می‌شود. و این حدیث با ایزاهیت جدی است. این قانون بوسیله ادعای از صحت نظر ان ایرانی تهیه شد. در تهیه این لایحه از نظرات آقای آدل‌برنی مستشار دادگستری فرانسه نیز استفاده بعمل آمد. حجت الاسلام آقای سیدحسن مدرس نیز بر این قانون صحت گذاشت و پس از آن بعنوان اصول دادرسی کیفری در دادگاه‌ها دادگستری به مورد اجرا گذاشته شد. (در زمان سلطنت رضاخان و پیش از تشکیل محاکم اختامی و خدشه‌دار کردن صلاحیت عام دادگستری، عملاً دادگستری از وظایف خویش بعنوان دستگاهی مستقل بازماند و اصول دادرسی در باره جرایم سیاسی و مطبوعاتی عملاً به سوتی اجمال سپرده شد.)

سران رژیم ولایت فقیه هم با آنکه علی‌الظاهر نسبت به مدرن‌سازی نظر دارند، قانون مودت‌آیین اورا که در مقایسه با زمان تصویب آن، بالنسبه مترقی محسوب می‌شود، به‌کار نرفته و به شیوه قرون وسطایی بساط قتل و کشتار مردم را تحمیل عنوان قوانین اسلامی به مورد اجرا گذاشته‌اند. قوانین جزای اسلامی، به معنای رسمیت و قانونیت بخشیدن کشتار روشنگری است. رژیم فقیه بدون مجری داشتن این قوانین حتی یک لحظه قادر به دوام نیست. دستگاه قضایی و نیروهای ریکویر سازمان یافته رژیم از اهم عوامل برپا داشته رنده این نظام جنینمی است. بنابراین جرات است که مبارزه علیه قوانین اسلامی دستگاه قضایی و نیروهای ریکویر سازمان یافته اسلامی است به معنای شلیک به قلب نظام استوکار است جمهوری اسلامی است.

هم‌اکنون مبارزه علیه قوانین جزایی و حقوقی اسلامی از مواردی است که می‌توان بیشترین نیرو و را حول آن بسیج کرد. مبارزه علیه این قوانین از این ویژگی منحصر به خود را است که خواست دموکراتیک اجتماعی به سرعت مضمون سیاسی می‌یابد

اعتراض جهانیان علیه شکنجه و اعدام در ایران

اعتراض نیروهای مترقی و بشردوستان، شخصیت‌های برجسته، احزاب و سازمانها، دولت‌ها و مجامع بزرگ بین المللی به رژیم ضد خلقی خمینی که آزادی و انسانیت را به بند کشیده است، هر روز در همه‌جا می‌شود و جلوه‌های چشمگیری به خود می‌گیرد. بشریت مترقی با تمام توان خود می‌طلبد که به شکنجه و کشتار انسانها و تعدی به حقوق فردی و اجتماع مردم ما پایان داده شود.

نمایندگان احزاب سوسیالیست طح طلبه حزب رادیکال‌های مترقی و حزب کارگر هلند در مجلس این کشور (که نیمی از آرای مجلس را در اختیار دارند) طی نامه‌ای به وزیر امور خارجه هلند با طرح چند پرسش خواستار برررسی وضعیت فدا گنای کشته در یورش‌های اخیر رژیم خمینی دستگیر شده‌اند و سازمان زندانیان سیاسی شدند.

گی دوکولوشه سخنگوی فراکسیون کمونیستها در مجلس ملی فرانسه طی نامه‌ای به ژاک شیراک نخست وزیر این کشور، با طرح مساله نقض حقوق بشر در ایران و تهاجم وحشیانه رژیم به فدا گنای خلق خواستار اعمال فشارهای بین المللی به رژیم خمینی برای قطع این جنایتها شد.

تعدادی از اعضای حزب کمونیست بلژیک رهبران سازمان جوانان این حزب و همچنین نمایندگان احزاب کمونیست جهان در بلژیک همبستگی رژیم جوانها خود را با مبارزین در بند همبستگی اعلام کردند و خواستار آزادی آنان شدند.

چند تن از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست هلند، شهردار آمستردام و چهار تن از اعضای شورای این شهر، رئیس جنبش فدا گنای بلژیکی هلند و سازمان زنان حزب کارگر هلند همبستگی خود را با اسیران شکنجه‌های حکومت فقیه اعلام کرده و خواستار آزادی آنها شدند.

نوزدهمین کنگره حزب کمونیست نروژ که اخیراً در اسلو برگزار شد، قطعنامه‌ای در باره جنگ ایران و عراق و دفاع از زندانیان سیاسی ایران به تصویب رساند که در آن تاکید کرده: "شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی و دیگران در ایران با یکدیگر قطع گردد"

زندانهای سیاسی ایران را گسترش دهند. جهان‌دهی از رفقای قهرمان ما ما بسیار فرزندان رشید خلق در خطر جدی است. باید در جستجوی نیروهای آزادبخواه و بشریت مترقی را فراموش نکنیم تا قریباً دودخورد برای راهی زندانیان سیاسی، این منادیان خواستار آزادی و عادلانه و شرافتمندانه توده‌ها را ترک کنند.

وکل رژیم را مورد خا طره قرار می‌دهد و این برای ما کمونیستها که آزادبخواه ترین نیروی اجتماع است هستیم دارای اهمیت ویژه است.

در حال حاضر کمترین تعدادی است که از گزند قوانین اسلامی در امان مانده باشد. صدها هزار دهقان طبق قوانین حقوقی اسلامی و با حکم حاکم شرع از زمینهایشان خلع بید شده و مطابق با قوانین جزای اسلامی محکوم به زندان و پرداخت غرامت گردیده‌اند. میلیونها زن و مرد صرفاً به این سبب که نمی‌خواهند به تحمیلات ارتجاعی رژیم در نحوه زندگی روزمره تن دهند، طبق قوانین اسلامی مورد آزار و اذیت قرار گرفته و می‌گیرند. صدها واحد تولیدی با حکم حاکم شرع و طبق موازین شرع به سرمایه‌داران قرار می‌گیرند و با زگرداننده شده‌و کارگران آن اخراج و بی‌زندان گردیده‌اند؛ رژیم طبق قوانین اسلامی دست‌وپای هزاران تن از محرومان جامعه که خود زمیندار و کارکنان آنها را فراهم آورده است را قطع کرده است. دهها هزار تن از فرزندان دلاور خلق به اتهام دفاع از حقوق مردم طبق قوانین شرع مطول گردیده و یا به جوجه‌های اعدام سپرده شده و یا به زندان افکنده شده‌اند. طبق قوانین اسلامی حقوق اجتماع از مردم سلب گردیده و بنیادهای خانواده به سستی گراییده است.

تبعیضات مذهبی، قومی، قانونیت یافته است و حتی جنگ ویرانگر نیز زیر لوای شرع آدام یافته است. سایه شوم عدم امنیت قضایی موضوعی است که دامنه اشمول آن همه احاد مردم را فرا می‌گیرد.

کلیه این موارد ضرورت مبارزه همگانی برای لغو قوانین کیفری و حقوقی اسلامی را بعنوان یکی از اساسی ترین مطالبات دموکراتیک مردم بوضوح نشان می‌دهند. مبارزه در راه انقائ این قوانین ارتجاعی سیل خروشان از زخم توده‌های مردم را علیه رژیم مذهبی جمهوری اسلامی سازمان می‌دهد. ایست تخته‌ای است با اهمیت که باید بدان توجه جدی داشت و روی آن تا مل اکید نمود.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

درباره جنگ و وخامت اوضاع در منطقه

★ متن سخنرانی مسئول هیات نمایندگی سازمان در دیدار مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری در اولان با تور.

رفقا و همزمان گرامی!

قبل از همه مایل هستیم مراتب قدر دانسی خود را از حزب مردمی انقلابی و دولت مغولستان به خاطر تدارک این کنفرانس اعلام کنیم. تشکیل این کنفرانس گهرا دستیابی به صلح پایدار در دستور کار خود قرار داده است. به تلاش همگانی برای صلح در آسیا کمک خواهد کرد. وخامت فوق العاده اوضاع جهان جدی بودن خطری تمام هسته ای، ضرورت یک اقدام همگانی مشترک را ایجاب می کند. جهان به اندازه ای از اسلحه های هسته ای انباشته شده است که مقداری از آنها برای محو همه آثار زندگی، در کره زمین، کافی است. خطر هسته ای همه را به یکسان تهدید می کند. چه مخالف جنگ طلب امپریالیسم و چه ارتجاع محلی وجه گشورایی که با کار برود این سلاح و با تولید این بلا قیمن، مخالف هستند. را به یکسان نابودی می کند. این اوضاع بسیار حساس ایجاب می کند که وضع موجود جهان دچار دگرگونی جدی شود. جهان ما باید از اسلحه های هسته ای خالی شود.

با بدعهدی تسلیم به زورپاها و اساس مناسبات بین المللی گردد. همزیستی صلح آمیز کشورهای با نظام های مختلف اجتماعی باید توسط همه کشورهای رعایت گردد. دوران آتاقی امپریالیسم مدت ها است که سپری شده است. حق امپریالیستی ناچارند بپذیرند که هر کشوری حلق دارد راه خود را مستقلا بگزیند. باید حق همه کشورها و خلق ها در این زمینه مورد احترام قرار بگیرد. مخالف تجا وزکا امپریالیستی با بدعهدی از خودند که سیاست سخن گفتن از موضع قدرت را کنار بگذارد و رندون و گلوبا لیسم را ترک کند.

اوضاع خطرناک کنونی، اتخاذ اقدامات فوری و مشخص را ایجاب می کند. این اقدامات باید متوجه کشورها و ماجراجویی مخالف نظامی گرای امپریالیسم و ارتجاع محلی باشد. چرا که مسئولیت وضع کنونی جهان بر عهده امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا است. دولت آمریکا مسئول کشیده شدن مسابقه تسلیحاتی به فریب است. مخالف رهبری کهنه ده آمریکا در ایجاد تنش جنگی منطقه ای نقش اصلی را در راندن و آتش این جنگها در جهت منافع خود شعله ورتر می دارند. در همه جا نوبت آتش و آشوب، رویای امپریالیسم آمریکا مشاهده می شود.

پس از جنگ جهانی دوم، قاره آسیا تا حد خوبی ترین جنگی محلی بوده است. آسیا با یگانگی های نظامی امپریالیستی راد خود متمرکز کرده است. در شرایط فعلی حادث ترین جنگی منطقه ای، در قاره آسیا و بطور عمده در خاورمیانه جریان دارد. هارترین مخالف نظامی گرای امپریالیسم، سیاست تجا وزکا رانه ایدرا آسیا و اقیانوس آرام به اجرا می گذارند. مخالف برتری طلب آمریکا، امپریالیسم زاپین را تحت فشار گذاشته اند که در مدخلات امپریالیسم آمریکا در منطقه نقش بزرگتری بپذیرد. آنها زاپین را بسوی ملیت ریسم سوق می دهند. مخالف ماجراجوی امپریالیستی در راه ایجاد دبلوک بندی های جدید نظامی تلاش می کنند.

رفقای عزیز!

صلح در آسیا با محو کنونی تنش و با استقرار صلح در مناطق متشنج و درگیر در جنگ ممکن می گردد. انجام این وظیفه دشوار مبارزه مشترک همه خلقها و کشورهای را ضروری می سازد. در شرایط کنونی، جنگ ایران و عراق خطرناک ترین کنونی تنش در آسیاست که صلح جهانی را آماج خطر قرار می دهد. بین ایران و عراق ۷ سال است که جنگی بی سرانجام و فاجعه بار ادامه دارد. خسارات انسانی و مالی جنگ غیرقابل جبران است. تاکنون نزدیک به یک میلیون کشته و سی میلیون آواره زخمی، آسیا نابود شده اند. تنها در کشور ما بیش از ۲ میلیون نفر آواره شده اند.

جنگ ۵۰ شوره ۳۰۰۰ روستای کشور را بکلی ویران کرده است. ۵ استان کشور، توان تولیدی خود را از دست داده اند و نیمه ویران شده اند. خسارات مالی که فقط به کشور ما وارد شده است، بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار برآورده شده است. بیش از ۵۰ درصد بودجه کشور صرف جنگ می شود، ارز نفت، صرف خرید سلاح و رفع نیازهای جنگ می شود.

در جمهوری اسلامی فقرا فقیرتر، ثروتمندان ثروتمندتر شده اند. جنگ در تشدید این وضع نقش مهمی داشته است. اقلیت بزرگی از سرمایه داران با بهره گیری از جنگ صاحب سرمایه های افسانه ای شده اند. در نتیجه، تمرکز سرمایه در جمهوری اسلامی

به پایین ترین حد خود در مقایسه با همه سالهای گذشته رسیده است. علاوه بر آن جنگ، وسیله تشدید سرکوب و خفقان بوده است.

جنگ در سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز اثرات خود را بنجای گذاشته است.

جمهوری اسلامی برای جلب حمایت ترکیه علیه عراق، به آن کشور امتیازات بزرگی داده است. اغراق نخواهد بود اگر بگوییم که این امتیازات در تقویت مواضع ارتجاع ترکیه علیه بحران در آن کشور، نقش موثر داشته است. همه می دانند که بیمن سنتو بیمنی علیه اتحاد شوروی بود. این بیمن به محور ترکیه - ایران - پاکستان برای محاربه شوروی و عراق، از جنوبی آن، شکل می داد. انقلاب توریه ۱۹۷۹، عامل انحلال این بیمن شد. مدت ها است که به ابتکار جمهوری اسلامی، محور تکرار تهران - اسلام آباد - دبیاره شکل گرفته است. همچنین با یاد آوری کنیم که جمهوری اسلامی با کمک کارشناسان غربی، با یگانگی استرا قیسم را که بوسیله آمریکا بی ساخته شده بود، دوباره در مرزهای شوروی و ایران بکار انداخته است. علاوه بر آن اخیرا دولت محافظه کار انگلیس موافقت کرده است که جمهوری اسلامی را با رادارهای برکودرت تجهیز کند. این رادارها نیز در مرزهای شمالی ایران بکار می افتند.

نمی توانیم بگوییم که اگر جنگ نبود، جمهوری اسلامی سیاست نزدیکی با امپریالیسم رادریستن نمی گرفت. با این حال جنگ از عوامل تسریع این نزدیکی بوده است. نیا ز جمهوری اسلامی تسلیح و جلب حمایت غرب در جنگ علیه عراق، روابط آن را با دولت امپریالیستی محکم کرده است. حتی روابط جمهوری اسلامی با آمریکا نیز بطور بیمنی و عملا در حال گسترش است. در همان حال روابط رژیم با اتحاد شوروی، محدودتر شده است. تبلیغات تشدید شوروی از عرصه صریحا پدیدار سیاست خارجی و داخلی رژیم خمینی است.

همه شواهد نشان می دهند که امپریالیسم آمریکا بهره بردار اصلی جنگ بوده است. ایالات متحده آمریکا بدنبال آغاز جنگ، "فرماندهی مرکز" را تشکیل داد. ۱۹ کشور در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، در چرخه تجا وزاپین فرما ندهی هستند. جنگ عامل تشدید حضور نظامی آمریکا و انگلیس در منطقه بوده است. اکنون شیخ حضور نظامی آنان در تقویت می شود. این اوا خود دولت ریگان در کشورهای خلیج فارس را برای گرفتن پایگاه های تحت فشار گذاشته است.

اگر جمهوری اسلامی بوسیله غرب تسلیح نمی شد، جنگ تا این اندازه به درازانی کشید. رسوایی "ایران گیت" با رد دیگر مسئولیت امپریالیسم آمریکا در سابقه تسلیحاتی کشورها و در ادامه خونریزی و تشنج در منطقه را بطور خیلی آشکارا به نمایش گذاشت.

هدف امپریالیسم آمریکا از تشویق عراق به آغاز جنگ و حمایت از ادامه آن، غارت منابع منطقه و بهره گیری از خلقهای ساکن آن است. زیر سه چهارم ذخایر نفتی جهان در این منطقه است و ۵۰٪ نفت کشورهای سرمایه داری در این منطقه تولید می شود. دولت ریگان که حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه را با دست و پزیر قرار دادن دفاع از امنیت آمریکا "یا دفاع از آزادی کشی را" شدت می بخشد، در واقعیت امر، اهداف فوق را تعقیب می کند.

مردم ایران بدرستی می گویند که ادامه جنگ بسود تحکیم حکومت خمینی و در جهت منافع امپریالیسم آمریکا عمل کرده است.

مبارزه در راه صلح اوج می گیرد. اکثریت مردم ایران در این مبارزه شرکت دارند. طبقه کارگر ایران نیروی اصلی این مبارزه خواهد بود. رژیم با کشتار، به مخالفان جنگ پاسخ می دهد. با این حال دامنه مخالفت با جنگ، بدون هیات خاکمه نیز راه یافته است. در شرایط کنونی موافقان داخلی ادامه جنگ، محدود و محدودتری شوند. امراض خمینی و میلیتاریسم، در راه ادامه جنگ بی مقاومت گسترش یافته است. روبرو شده است. تحت تاثیر این شرایط، جمهوری اسلامی بی شاز گذشته، برکنجه، اخراج و سرنیزه برای ادامه جنگ، تکیه می کند.

ادامه جنگ بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی را عمیق تر کرده است. در نتیجه اوج گیری بحران سیاسی رژیم، مجلس شورای اسلامی کلا فلج شده و حزب جمهوری اسلامی، حیزب حاکم، منحل گردیده است.

در این شرایط سازمان ما و حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی با همه قوا برای صلح و دمکراسی و سرنگونی جمهوری اسلامی، برای تبدیل ایران به عالم صلح در منطقه بیکار می کنند. این مبارزه در شرایط دشواری صورت می گیرد. دشواری، فقط از برآکنندگی نیروهای مترقی ایران ناشی

نمی شود. علاوه بر آن به این دلیل است که جمهوری اسلامی وحشی ترین رژیم تاریخ معاصر ایران است و به مخالفان خود، با زبان اسلحه پاسخ می دهد. مدت کمتر از سه ماه، در قاصه ژوئن تا سپتامبر ۱۹۸۶، بیش از ۱۰۰۰۰ تن از کارگران و اعضای سازمان مادرپوش و حیانه رژیم دستگیر شدند و زیر شکنجه و شکنجه قرار گرفتند. تاکنون چندان از دستگیر شدگان، زیر شکنجه با بوسیله اعدام به شهیدان رسیده اند، در همه موارد، یکی از "شهادت" دستگیر شدگان، دفاع از صلح بیدرنگ بوده است. در شرایط کنونی تقریبا هیچ امکان قانونی برای فعالیت نیروهای انقلابی وجود ندارد. علیرغم تمام این دشواری ها، سازمان ما، به نبرد علیه جنگ و رژیم بمنظور استقامت، سرنگونی رژیم و انتقال قدرت به خلق ادامه می دهد.

شرایط داخلی برای پیشرفت مبارزه در راه صلح مساعدتر می شود. اکنون اتخاذ تصمیمات مشخص و روشن علیه جنگ از سوی مجامع بین المللی جمهوری اسلامی را پیش از گذشته تحت فشار می دهد و با استقبال مردم ما روبرو می شود. ما از مواضع قاطع و اصولی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، از جمله مواضع مشترک کشورهای سوسیالیستی عضویمان و رندون برلین، علیه جنگ حمایت می کنیم. این مواضع با استقبال زمینکنان ایران روبرو شده است. مردم ما از موضع جمهوری خلق چین، هند، افغانستان، بوتان، کامبوج، سیرکوره های مترقی منطقه در دفاع از قطع جنگ ایران و عراق و نبرد برای تضمین صلح در سراسر آسیا استقبال می کنند. ما خواهان تشدید تقویت ایمنی تلاشها هستند. ما همچنین موضع گیری سازمان ملل و دیگر مخالف صلح دوست بین المللی برای قطع جنگ را مورد حمایت قرار می دهیم. تحرک نویسن مجامع بین المللی و تشدید فعالیت کشورهای جامعه سوسیالیستی ما را در مبارزه در راه صلح نیرومندتر می کند.

رفقای گرامی!

جمهوری اسلامی تلاش می کند با گرفتن امتیازاتی از آمریکا علیه عراق، در مبارزه علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان، تعهدات بزرگتری را بپذیرد. جمهوری اسلامی بختی از موشکهای راکت سال گذشته از آمریکا دریافت کرد، به ارتجاع افغانستان داد. ما جنگ ادامه یافته امپریالیسم آمریکا علیه افغانستان و تلاش رکت دولتی علیه حق و خمینی را در این جنگه قویا محکوم می کنیم. ما خواهان قطع مداخلات امپریالیسم و ارتجاع منطقه در امور افغانستان هستیم و برای پیروزی مشی ما لحه ملی می گوئیم. سازمان ما از کمک های انترناسیونالیستی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به دولت ملت افغانستان قویا جانبداری می کند.

ما خواهان عوج نیروهای نظامی غرب از خلیج فارس و دریای عمان و برچیدن همه پایگاههای نظامی خارجی از این منطقه هستیم. اقیانوس هند باید به منطقه صلح و عاری از اسلحه های هسته ای تبدیل گردد. ما از تلاش مشترک اتحاد شوروی و هندوستان در فرآوردن کنفرانس بین المللی برای اتخاذ تصمیمات عملی در این راه پشتیبانی می کنیم. ادامه بحران در منطقه خاور نزدیک، از مظاهر آشکارا رخشی تجا وزکارانه امپریالیسم جهانی است. مساله مرکزی در این بحران، نادرده گرفتن حق خلق فلسطین در تعیین سرنوشت خود و در تشکیل دولت مستقل فلسطینی توسط امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل است. حل بحران به شیوه آمریکایی یعنی نفی موجودیت مستقل و تاریخی ملت فلسطین شکت خورده و خوا هد خورد. هیچدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین و مصوبات تاریخی آن، ضربه مهلکی بر راه حل های آمریکایی - اسرائیلی بود. ما خواهان وحدت جنبش فلسطینی و تقویت مواضع سازمان آزادیبخش فلسطین بمشابه تنها خلاقیته قانونی خلق فلسطین هستیم. ما مداخلات جمهوری اسلامی در لبنان و عراق و کشورهای حوزه خلیج فارس و تلاش آن در تقویت جنبش غیر قابل اعتماد "حزب الله" را قویا محکوم می کنیم. ما از فراخسوان اتحاد شوروی برای تشکیل کنفرانس بین المللی بمنظور حل بحران خاور نزدیک حمایت می کنیم.

ما جنگ اعلام نشده امپریالیسم آمریکا علیه خلق کامبوج را محکوم می کنیم و از تلاش های جمهوری خلق کامبوج، و بوتان و سوسیالیسم و لائوس در جهت حل مساله کامبوج به نفع مردم این کشور و تحکیم صلح در این منطقه قاطعا تا حمایت می کنیم.

رفقا و همزمان گرامی!

در شرایط بفرنج کنونی، زمانی که امپریالیسم آمریکا با کودتا به تسلیحاتی را مطابق برنامد جنگ ستارگان به فضای کیهانی بکشد، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در راه حفظ صلح جهانی فعالیت تلاش می کنند. آنها پیشنهاد می کنند که ما علاوه بر تلاش برای صلح جهانی، به یکدیگر بیرومانه شش زدا بی، کاش نیروهای غیرهسته ای، برچیدن پایگاههای نظامی خارجی، بقیه در صفحه ۱۱

بخاطر صلح، امنیت و همکاری و حسن همجواری در منطقه آسیا و اقیانوس آرام

از ۷ تا ۹ ژوئیه سال ۱۹۸۷ در اولان باتور، پایتخت جمهوری مغلستان دیدار مشورتی نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای منطقه آسیا و اقیانوس آرام برگزار گردید. شرکت کنندگان این دیدار در دفاع از صلح و همکاری و امنیت منطقه آسیا و اقیانوس آرام و در مخالفت با جنگ و مداخله نظامی در این منطقه توافق کردند. در این دیدار دربارۀ صلح و همکاری و امنیت منطقه آسیا و اقیانوس آرام و در مخالفت با جنگ و مداخله نظامی در این منطقه توافق کردند. در این دیدار دربارۀ صلح و همکاری و امنیت منطقه آسیا و اقیانوس آرام و در مخالفت با جنگ و مداخله نظامی در این منطقه توافق کردند.

میلیتاریسم زاپن، وکوشش برای ایجاد گروه بندی های نظامی - سیاسی جدید و ایجاد رولنگرانی بر روی منطقه آسیا و اقیانوس آرام و در مخالفت با صلح و همکاری و امنیت منطقه آسیا و اقیانوس آرام و در مخالفت با جنگ و مداخله نظامی در این منطقه توافق کردند.

برگزاری نخستین...

جلسه مشترک کمونیست بنگلادش، حزب کمونیست نیپال، حزب کمونیست فیلیپین، حزب کمونیست سری لانکا، حزب وحدت سوسیالیستی زلاندنو و هیات نمایندگی سوسیالیستی صلح و سوسیالیسم تشکیل این جلسه خلیق الساعه نبود. آمده و ضرورت چنین گردهمایی های از کنگره ۱۸ حزب انقلابی خلق مغلستان مطرح شد و بنابر آن دو جلسه مشورتی و مقدماتی، یکی در پانامه و دیگری در حزب انقلابی خلق مغلستان و دیگری در بانکسبرگ ۸۶ در مسکو منظور شد. نظر و ایجا دهها هنگسی برای تشکیل این اجلاس برگزار شد.

تشکیل اجلاس مشورتی فوق ناشی از ضرورت رفع و خامت اوضاع منطقه و آگاهی مردم به این مسأله است. خلقهای کشورهای منطقه آسیا و اقیانوس آرام هر چه پیشتر به عمق و دامنه خرد ناشی از کمونیسم و ضرورتها می آمیرای لیسیم در منطقه ضرورت تغییرات وضعیت آگاهی می یابند، اما قابل تاکید است که بر خلاف اروپا که شاهد جنبش وسیع توده ای در جنگ است در آسیا و اقیانوس آرام و وحدت نیروهای هواخواه صلح در مقایسه با خطر جنگ در این منطقه نیاز ل حل هر چند که امکانها وسیعی برای یکپارچگی و وحدت اراده این نیروها وجود دارد، تشکیل این اجلاس قدمی در راه این یکپارچگی و وحدت بود.

مقابل ارتجاعی امپریالیسم، ملیزم منافع خلقهای منطقه آسیا و اقیانوس آرام این منطقه راه محل استقرار اکت های اتمی و شبکه اتمی و ایگا های نظامی تبدیل کرده اند. تنها رزمناوهای آمریکا با حدود ۲۰۰۰ سلاح اتمی در اقیانوس آرام حمل می کنند و حدود ۱۰۰۰ کلاهک هسته ای فضا پندار آنها را می آمیرای لیسیم در کره جنوبی ذخیره شده است. آنچه طریق می توان وضعیت خردناک و انفجار آمیز کنونی را تغییر داد و صلح پایدار و امنیت را در این منطقه برقرار کرد؟ پاسخ اصولی می توان در پیشنهادات و ابتکارات سازنده کشورهای سوسیالیستی و دیگر دولتهای هوادار صلح، که ناشی از آگاهی و احساس مسئولیت عمیق آنان نسبت به سرنوشته بشریت و ضرورت حل بیطرفانه ترین مسائل جهان در ارتباط تنگاتنگ با تامین صلح و امنیت در منطقه می باشد، یافت

منطقه آسیا و اقیانوس آرام، بعد از اروپا بزرگترین انبار سلاحهای اتمی و ایگا های نظامی امپریالیسم می باشد. تاکنون مبارزه علیه استقرار سلاحهای هسته ای برای تامین صلح در مقیاس توده ای محدود بوده است. اروپا و ژاپن می یابند. چرا که دو جنگ جهانی از این منطقه آغاز شده و حاصل آرایش دهها میلیون کشته و زخمی و میلیونها قلب داغ دیده از این فاجعه عظیم بشری بوده است. اکنون ضرورت کامل دارد که امرتامن صلح در منطقه آسیا و اقیانوس آرام همسایگان همگاری همه دولتها و نیروهای صلح دوست منطقه و جنبش عظیم توده ای ضد جنگ تقویت گردد. امرخاطر صلح سازی فضای سیاسی، تامین صلح

بنیادی حقوق بین الملل باشد، به هدف فوق خدمت خواهد کرد. کاهش جدی هزینه های نظامی و اختصاصی وجوه حاصله به احتیاجات اجتماعی، اقتصاد ملی و فرهنگی کشورهای ازبند در سرته به رفع عقب ماندگی آنها خواهد کرد. نمایندگان احزاب شرکت کننده از ابتکارات سازنده و اقدامات کشور های سوسیالیستی و دیگر کشورهای آسیا و اقیانوس آرام و جنبش ضد جنگ و ضد هسته ای بعنوان سهمی مهم در مبارزه بخاطر صلح و امنیت بین المللی بطور کامل حمایت کردند. آنها موافقت خود را با اقدامات صلح طلبانه غیرهستهای و منطبق صلح در بخش های مختلف منطقه ابراز داشتند.

در دیدار مذکور این اعتقاد دلیلی نگردید که صلح سازی ریشه ای فضای سیاسی در منطقه آسیا و اقیانوس آرام به مشارکت فعال تمامی کشورهای توده های وسیع خلق نیاز دارد. شرکت کنندگان اهمیت حیاتی تحکیم همکاری احزاب کمونیستی و کارگری با سایر نیروهای صلح دوست را مورد تاکید قرار دادند و اهمیت سهمی که جنبش های استقلال ملی، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی می توانند در امر تحکیم صلح و امنیت در منطقه ادا نمایند را خاطرنشان ساختند. آنها آمادگی خود را برای گفتگو و اقدامات مشترک با احزاب سیاسی و سازمانها و جنبش های اتحادیه ای، زنان، جوانان، مذهبی و غیره که به خاطر صلح و امنیت در منطقه آسیا و اقیانوس آرام به صلح و امنیت و پیشرفت مبارزه می کنند اعلام داشتند. با بدین مناسبت مبارزه ضد امپریالیسم خلقهای منطقه را گسترش داد و از تجربه کشورهای آسیا و اقیانوس آرام به صلح و امنیت و برقراری همکاری صلح آمیز میان دولتها سوچست.

دیدار مشورتی اولان باتور بر شمرده می شود. احزاب شرکت کننده توافق کردند که در آینده هم چنین دیدارهای برگزار کرده، تبادل نظر دو جانبه و چند جانبه پیرامون مسائل صلح، امنیت و همکاری و حسن همجواری در منطقه و دیگر مسائل مورد علاقه طرفین را فعال کنند و گسترش دهند. احزاب شرکت کننده مراتب قرارداتی خود را از احزاب انقلابی توده ای مغلستان بخاطر فراهم آوردن صلح و امنیت در این منطقه اعلام کردند. این موافقتها میزاولین ملاقات نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای منطقه آسیا و اقیانوس آرام ابراز داشتند.

واقعی و امنیت عمومی در این منطقه تنها از طریق...

تلاش مشترک و همه دولتها و نیروهای اجتماعی ایمن منطقه امکان پذیر است. احزاب کمونیستی و کارگری در این تلاش عمومی نقش فوق العاده مهمی ایفا می کنند، برای کمونیستها امروز وظیفه ای مبرم تر از تلاش در راه وحدت همه نیروهای ضد جنگ و دمکرات و صلح دوست در مبارزه برای تامین صلح و از بین بردن خطر جنگ هسته ای قطع سابقه تسلیحاتی و اتمی است. امنیت عمومی خلقها وجود ندارد. کمونیستها در همه کشورهای در حال مبارزه برای صلح قرار دارند، وحدت نیروهای هواخواه صلح قبل از هر چیز بستگی به وحدت اراده و عمل کمونیستهای همه کشورهای برای اجرای این وظیفه خطیر می یابد.

دیدارهای منطقه احزاب برادر، برای تبادل نظر و تجارب و نظرات مختلف و دستیابی به راههای منسجم و عملی برای تقویت جنبش صلح از اهمیت بسیاری برخوردار است. تسلیحات امپریالیستی همواره تلاش دارد که مبارزه برای صلح را برای مردمی که در آسیا و اقیانوس آرام می یابند، نشان دهد، در حالی که این عرصه ای است که همه کشورهای و همه خلقها باید در آن سهم بگیرند. در عین حال مبارزه در راه حفظ و احیای صلح در هر کشور رنگ شرایط و مختصات خاصی خود آن کشور را برچهره دارد.

اجلاس اولان باتور که به ابتکار جمهوری توده ای مغلستان انجام گرفت اولین دیدار در تاریخ کشورهای منطقه آسیا و اقیانوس آرام است. این دیدار برای شک یک دستاورد تاریخی مهم در مبارزه صلح بشمار می آید و موفقیت بزرگی برای کمونیستهای این منطقه به پناه و راست، چرا که سنگ اول بنای همکاری های در سطح بالاتر احزاب منطقه است.

کلیه شرکت کنندگان در جریان سه روز جلسات منظم، نظرات خود پیرامون مسائل مختلف صلح و امنیت و حسن همجواری در آسیا و اقیانوس آرام را اعلام داشتند. تمام احزاب شرکت کننده از پیشنهادات اتحاد شوروی که به وسیله کار با جف درولادی و تسوک میشی بر شرکت تمام کشورهای منطقه در ساختن سیستم عمومی امنیت بین المللی اعلام شد، حمایت کردند. همچنین قطعنامه دهلی که حاوی موازین مربوط به جهان عاری از سلاح های هسته ای است، مورد پشتیبانی وسیع قرار گرفت. احزاب شرکت کننده پیشنهاد جمهوری توده ای مغلستان را مبنی بر انعقاد تفاهات عدم حمله متقابل و عدم استفاده از زور در روابط بین دولتهای آسیا و اقیانوس آرام را مورد تحسین قرار دادند.

سند نهایی ارائه شده توسط اجلاس که بنیانگر نگرانی عمیق اعضای شرکت کننده از گسترش خطر جنگ در این منطقه از جهان است، در عین حال حاوی عمومی ترین مسائل مربوط به جنگ و صلح در این منطقه است. این سند از آنجا که بنیانگر اساسی ترین خطوط وحدت نظر شرکت کنندگان در مسأله جنگ و صلح در منطقه می باشد، می توان نمودر پذیرش احزابی که در دیدار مشورتی شرکت نکرده بودند،

به برنامه های رادیو زحمتکشان ایران گوش فرا دهید

پایدار باد صلح جهانی

بازهم تحریف تاریخ

رفسنجانی در خطبه نماز جمعه ۱۵ خرداد دبه تحریف تاریخ دیگری در مورد وقوع روحانیت در قبال اصلاحات بورژوازی شاه در مورد حقوق زنان پرداخت و گفت: "شرکت خانها در جامعه، حق رای به خانها و مساوات زن و مرد، اینها شعارهای است که همیشه خواب است و وقتی که انقلابیما پیروز شد، اولین کاری که کردیم خانها را در انقلاب شرکت دادیم و حق رای داشتند و معلوم بود که روحانیت برای خانها مخالف نبود اما گواهی تاریخ منبر این ادعاست. یکسری از انگیزه های مقابله روحانیون با رژیم شاه و انقلاب سفیدش را اصلاحات بورژوازی در جهت تضعیف نقش روحانیون در اداره جامعه و در نظر گرفتن پاره ای حقوق بورژوازی برای زنان تشکیل می داد. اصلاحات اقتصادی در جهت گشودن راه رشد سرمایه داری خواهی خواهی شرایط شرکت فعالتر زنان در تولید و سایر عرصه های زندگی اجتماعی را فراهم می آورد. حقوق بورژوازی زن و از جمله حق شرکت زنان در انتخابات و سایر شرفها بورژوازی در کشور که از بوش تا رفتار و شخصیت اجتماعی زن را تحت تاثیر قرار می داد، با تصور مستقیم با آرزوهای مذهبی روحانیون و تکرار آنان نسبت به شخصیت و حقوق زنان تضاد می کرد، همه اینها روحانیت را به مخالفت با اصلاحات مزبور برمی انگیزد و در مواضع آن زمان روحانیت از جمله شخص خمینی نیز با زبان و روشی شرط اسلام را در این دستوراتی ۱۳ خرداد ۴۲ (روزگ شورا) در مخالفت با مساوات زن و مرد گفت: "آقای شاه نهمینده می رود با لایحه آنجا می گوید شما ای حقوق زن و مرد، آقای این را بتوزیع کردند. تو گریه ای هستی که منم بگویم کافرات بیرون کنند، تنگ اینطور، تنگ اینطور... و در تلگرافی که در بیابان ۴۳ به شاه مخابره کرد: نوشت "پس از ادای ترحیم و دعا، بطوری که در روزنامه ها منتشر است دولت در آن جمعیت های ایالتی و ولایتی شرط اسلام را در این دستوراتی و منتخبین ذکر نکرده و به زنهایم حق رای داده است این امر موجب تکرانی علما و سایر طبقات مسلمین است. مستندی است امر فرما بنده ای قبیل مطالب را از برنامه های دولتی و حزبی حذف نمایند تا موجب دعا گوئی ملت مسلمان نشود".

بعدها از انقلاب روحانیت با بیای استقرا حکومت خویش به مذهبی کردن حیات جامعه پرداخت و این روند در قدم اول در زمان زان را گرفت، اگر چه رژیم در این راه با مقاومتی از زنان روبرو بود، اما به حکم قانون جبر و زور و استفاده از آنگاه می بخشی از زنان توانست اصول ارتجاعی مبنی بر

بی حقوقی کامل زنان را به اجرا در آورد. طبق قوانین اسلام زن نیمه انسان است نه تنها حق رای که حقوق زندگی کردن برابر با مرد ندارد. جمهوری اسلامی از برای زنان برای تثبیت پایه های حکومتی استفاده کرده که آشکارترین دشمنی را با حقوق و بعنوان شرکت دادن زنان در جامعه از آن دم می زند، ایجا سیه ای لشکر برای نماز در جمع و جمع و جمع و جمع دولتی، تهیه تدریجات پشت جبهه، حضور در مراسم سوگواری شهدای جنگ، مراسم مذهبی و شرکت در انتخابات برای پر کردن صندوق های رای و موارد مشابه آن است.

هشت سال حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، تاریک ترین و اسارتبارترین دوران حیات زنان میهن ما در تاریخ معاصر ایران رقم زده است. روحانیت پیرو این درک است که: "زن نمی تواند دستهای حکومت و قضاوت را شغال کند، زیرا با اقتضای طبیعت مخالف است و سهمیه اش در ارت نصف سهمیه مردان است و با بدحجاب داشته باشد مواضع زیستن را بیوفتا نمودار می کند. هر موی به شتمت بیرون شوهر از اوست از شوهر اطاعت نماید... (علامه طباطبائی - کتاب تعدد زوجات و مقام زن در اسلام) از بیرون را از بسیاری عرصه های فعالیت اجتماعی راند، تعدد زوجات برای مردان را صورت قانونی بخشد، خود پوشی زنان ننگون بخت را که به نوشته خمینی برای "یک ماه"، "یک روز" و حتی "یک ساعت" تحت عنوان سینه از نظر شرعی مجاز است، صورت قانونی بخشد، زن را از حق حقانیت فرزند و حق طلاق محروم کرد، اورا به کفن ساده بچسبید، از بسیاری از حقوق قضایی و فردی محروم داشت و بدینسان بر ابتدایی ترین حقوق زن در خانواده و جامعه قلم بطلان کشید. زنانی که به هر شکل با هر یک از قوانین و معیارها در مورد مقام و حقوق زن در جمهوری اسلامی مخالفت کنند، به خشن ترین وجهی مجازات می شوند. رفسنجانی در شرایطی به دروغ از موافقت روحانیت با حقوق و آزادیهای زنان دم می زند که عملکرد هشت ساله فقها در عمل دشمنی خود را با زنان و برابری حقوقی آنان حتی در محدوده بورژوازی آن، به اثبات رسانده و شش تریستن شوهرها را به مقام زن و در واقع به مقام انسان، به خانواده و جامعه جنبه قانونی بخشیده است.

در شرایطی که مردم میهن ما عرصه های مختلف ساختاری تدمردمی و ارتجاعی رژیم را در معرض آزموده اند، تلاش برای مرفقی خود را در آن راه به جای نمی برد، مردم قضاوت خود را بر اساس مشاهدات و تجاربتشان استوار میکنند. تحریف تاریخ و واقعیت و قضاوت مردم را در مورد جمهوری اسلامی

فاجعه فرهنگی

چندی پیش ۷۵ هزار نسخه از کتابهای نادر، متون قدیمی و نفیس کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه امضا سوخت و از میان رفت. در فهرست کتابخانه مشخصات کتب بهشمار می توان یافت که ویژگی های آن از نظر اهل فن عالی ارزیابی می شود. مثلاً دستنوشته اطباء اشعار ما شب، نسخه خطی اشعار "کمال خجندی" با مقدمه دستنوشته خود اشعار و بسیاری دیگر از نسخ قدیمی آثار مشاهیر علم و ادب امضا و ایران، به این ترتیب بخشی از گنجینه فرهنگ و تمدن پر ارزش میهن ما بطور جبران ناپذیری نابود شد.

این فاجعه تنها نمونه ای از دشمنی جمهوری اسلامی ضدبشری خمینی با هنرمندان فرهنگی مردم و میهن ما است.

خبر نابود شدن کتابهای نادر دانشگاه امضا نه تنها برای فرهنگ دوستان و روشنفکران جامعه ما تکان دهنده و اندوه بار است بلکه همه مردم هردوست و آزاداندیش جهان را متاثر می سازد. اما در رژیم فقهی کهنه پرست، خرافه پرور و ارتجاعی اندیش رژیم آب آزاب تکان نمی خورد، علت آن تحت بررسی قرار نمی گیرد و هیچ کس مورد بازخواست واقع نمی شود. طبیعتاً ارزشی که حتی انتقادی یک کتاب با مضمونی خارج از چارچوب خرافه های فقهی را مجاز نمی شناسد، انتظاری جز این نباید داشت.

اما همه چیز نمی تواند بروفق مراد این متولیان جهل باشد، آنها در برابر میا زده ای که علیه تعصبات کورشان انجام می گیرد، نخواهند توانست پسرده سیه و قرون وسطایی خرافات را بر چهره حیات فرهنگی ما بکشند و آن را خفه کنند. امروز نویسندگان، شاعران و هنرمندان ما با دیدت به دست هم داده، با پاسداری از میراث های فرهنگی و تاریخی مردم و با خلق آثار تازه این تهاجم سیه و ارتجاعی را در هم شکنند، روشنفکران، استادان، معلمان، دانشجویان و دانش آموزان در محیط کار و فعالیت خود در محافل خویش با بدحفاظ میراث معنوی گذشته و اشاعه فرهنگ و هنر ما مبارز می شوند. در بر توجیهن ما هرگز از آن نیست که از آن جهل و جورخواهد بود و پیروزی از آن آزادگان و نسو اندیشان

روحانیت حاکم از جمله در مورد زن ستیزی آن تغییر نخواهد داد، به قول سعدی در نظر مردم: "دزد، دزد است؛ اگر چه مہ قافی دارد."

ممکن است به تشدید بیشتر و توسعه جنگ منجر بشود اختراکت و کشتن و بدینوسیله اجرای قطعنامه فاشر را شریع کنند.

شم از دبیرکل درخواست می کند با مشورت بکار ایران و عراق موضوع محول ساختن تحقیق دربار ساره مسئولیت جنگ را به کت هیات بی طرف مور دبیررسی قرار بدهد و در اسرع وقت نتیجه را به شورای امنیت گزارش کند.

هفتم عظمت ابعاد خسارات وارده در طول این جنگ را و نیز نیاز به نوسازی و مساعادت مناسب بین المللی را پس از پایان یافتن محاسبات شخصی می دهد و به این مناسبت از دبیرکل تقاضا می کند گروهی از کسان را از مور مطالعه دربار ساره مساله عمران و آبادانی کند و نتیجه را به شورای امنیت گزارش دهد.

هشتم همچنین از دبیرکل تقاضا می کند با مشورت با ایران و عراق و سایر کشورهای منطقه دربار ساره تدابیر منطقه ای جهت تحکیم امنیت و ثبات منطقه بررسی کند.

نهم از دبیرکل درخواست می کند شورای امنیت را دربار اجرای این قطعنامه آگاه نگارد. دهم تصمیم گرفته است به هر نحو که شرایط اقتضا می کند برای بررسی کام های بیشتری جهت تضمین مراعات این قطعنامه مجدداً تشکیل جلسه بدهد.

در باره جمهوری توده های مغولستان

جمهوری توده های مغولستان در آغاز قرن بیستم از نظر اقتصاد، اجتماع و فرهنگی جزو عقب مانده ترین کشورهای جهان بشمار می رفت.

جنبش انقلابی که تحت تاثیر تعیین کنندگان انقلاب سوسیالیستی اکثریت را گرفته بود، با رهبری حزب انقلابی خلق مغولستان به پیروزی انقلاب دیکراتیک خلقی طی سال ۱۹۲۱ میلادی انجامید.

مغولستان طی سالهای ۴۰-۱۹۲۱ مرحله عمده سوم دموکراتیک را با دورزدن سرمایه داری طی کرد.

جمهوری مردمی مغولستان مرحله اخن پایه های سوسیالیسم را از ابتدای دهه ۱۹۴۰ آغاز نمود در سال ۱۹۶۰ روندتساوی گردن اقتصاد دهقان فئودالی را پس ر میدهد و مرزهای سیاسی ۴۰ درصد مجموع تولید اجتماعی تقریباً ۳۰ درصد درآمد ملی به صنایع مربوط می شوند. در برتا به پنج ساله قبلی درآمدها و اقایی مردم ۱۲ درصد افزایش پیدا کرد، تجارت خارجی طی این برتا به دو برابر بیشتر از برتا به پیش بود. بقیه در صفحه ۵

سیاست ادامه... بقیه از صفحه اول

در رابطه با عوامل فوق است که دولت ریگان با پذیرش صدور قطعنامه موافقت کرده است.

با این حال باید گفت که هدف نقشه های امپریالیسم آمریکا در باره جمهوری اسلامی، جسده درسا که گذشته که برای ام کردن آخوندها بیشتر سیاست تحریب آنها را پیش برد و چاه امروزه بیشتر تشدید می کند با برجا مانده و آن نیز بدست آوردن مجدد همه ایران را به قول برنیکسی تحقق استراتژیک با زکشت به ایران است. از اینرو علیرغم رویدادهای اخیر روابط دو کشور پنهان و آشکارا هر دو سو حفظ خواهد شد.

توافق دول امپریالیستی با دور این قطعنامه توسط شورای امنیت با هر دلیل و انگیزه ای که صورت گرفته باشد، و مستقل از اینکه این دولتها تا چه اندازه در راستای اجرای این قطعنامه همکاری می کنند یا خیر، این اقدام شورای امنیت بیک شکست بزرگ سیاسی و دیپلماتیک برای جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی است.

این اقدام شورا علیه خمینی است و سیاست ادا به جنگ توسط اوراد سطح بین المللی با مشکلات جدی روبرو خواهد کرد. از اینرو واکنش رژیم دربار برای اقدام منفی بود، بویژه که در قطعنامه ۵۹۸ شورا راه محازات متخلف از قطعنامه با زکشته شده است. در این صورت این جمهوری اسلامی است که مجازات خواهد شد.

باید تا کید کرد که تغییر اوضاع بین المللی به زبان سیاست ادا به جنگ توسط خمینی، بنوبه خود امکانات نیروهای انقلابی برای بسیج توده های علیه جنگ و رژیم را افزایش می دهد و شرایط مسلح و غیر مسلح برای اکثرش مبارزه در راه و صلح و سازماندهی این مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی فراهم می کند.

نظریه اهمیت اقدام شورای امنیت سازمان ملل ما متن کامل قطعنامه ۵۹۸ این شورا را در اینجا نقل می کنیم:

شورای امنیت ضمن تأیید مجدد قطعنامه شماره ۵۸۲ سال ۱۹۸۶ خود، با ابراز تکرانی عمیق از این من علی رغم، تقاضای شورای امنیت برای آتش بس جنگ بین ایران و عراق همچنان به شدت ادا به مداره، و موجب تلفات سنگینی و نابودی مناسبتی شده است، با اینکه آغاز تودایم این جنگ، ضمن ابراز تا سفارازیکه مراکز جمعیت کلاسیک را غیرمسلح می یما را می می شود و به کشتی های کشورهای بی طرف

و هوایما های کشوری نیز جمله می شود، قوانین بین انسان دوستانه بین المللی نقض می شود، و بویژه سلاحهای شیمیایی بر خلاف مقررات مبنی بر ممانعت و اعمال ۱۹۲۵ ژنو استعمل می شود، ضمن ابراز تکرانی عمیق از تشدید هر چه بیشتر عملیات جنگی بین ایران و عراق و گسترش احتمالی جنگ مستقیم است کلیه عملیات نظامی را بین ایران و عراق به پایان برساند و متقاضی است که حل و فصل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و بی طرفی با دستی بیمن ایران و عراق تحقق پذیرد و ضمن یادآوری مفساد سازمان ملل متحد، و بویژه تعدد کلبه کشورهای عضو با سازمان ملل متحد به فصل مناقشات بین المللی با وسایل صلح آمیز بگونه ای که ملل و عدالت در چارچوب به محاطه نیفتد، با تشخیص اینکه جنگ ایران و عراق از صلح را خنثی کرده است، با اقدام بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ و سازمان ملل متحد، به این وسیله:

اولاً خواستار آن می شود که ایران و عراق بعنوان نخستین گام مصالحه از طریق مذاکره، فوراً آتش بس برقرار سازند و از کلیه عملیات نظامی در جنگی دربار و حوادث برادرانودون عطفی کلیه نیروهای خود را به مرزهای شناخته شده بین المللی عقب بکشند.

دوم از دبیرکل سازمان ملل متحد درخواست می کند گروهی از ناظران سازمان ملل متحد را برای مراقبت، تأیید و نظارت بر مراعات آتش بس و عقب نشینی نیروها اعزام کند و همچنین درخواست می کند که دبیرکل با مشورت با طرف های مخالف، ترتیبات لازم را فراهم آورد و گزارش دربار آن به شورای امنیت تسلیم کند.

سوم خواستار آن شده است که اسیران جنگی پس از توقف عملیات خصمانه به موجب سومین میثاق ژنو، مصوب تاریخ دوازدهم ماه اوت سال ۱۹۴۹ بدون معطلی آزاد و به کشور متبوع خویش بازگردانده شوند.

چهارم از ایران و عراق دعوت می کند که در اجرای این قطعنامه به در زمینه کوشش های بهیچ سوری میا نجیگری جهت حل فصل جامع، عادلانه و شرافتمندانه کلیه مسائل موجود، بر طبق اصول مندرج در منشور عمل متحد، بگونه ای که برای طرفین قابل قبول باشد، لازم است با دبیرکل سازمان ملل متحد همکاری کنند.

پنجم از کلیه دیگر کشورهای می خواهد تا بیست و خویشتن از رای به خروج بدهند و از هر گونه عملی که سبه

جنوبی

دیکتاتوری در سراسری سقوط

اواخر تیر - چون دوهوان" دیکتاتورگره نخست وزیر و وزیر کا بینه اش را از کبار ر کرد و ترکیب دولت را تغییر داد. این تغییر دولت، زمانی اتفاق می افتد که هفته - اهرات گسترده و سراسری مردم پایه های آمریکا بی گره جنوبی را به لرزه در آورده است. اعتراضات به نظرات در نظر هرات از محدود ه اها و دانشجویان و شهرشول فرا تر رفتند، ان کارمندان و بیخشی وسیعی از اقا ر میانی ی از شهرهای دیگر گره جنوبی را نیز در بر گرفته تعدا د شرکت کنندگان در نظرات هرات به بیش میلیون نفر رسیده است. و درگیری با نیروهای گروزیسم نیز نه منحصر به روزهای معین، بلکه و گریزهای دنباله دار و چندروزه تبدیل

ت و دامنه موج جدید و نیرومندا اعتراضات گره جنوبی به گام سفید قیما نده است که بحران گره جدی است. و باید "تصدیاتی" برای آن شد. گام سفید، دستیا روز ارتخا ر چه آمریکا را سیای شرقی و اقیانوس آرام را چینی وانه شول کرد تا از نزدیک بر جریان امور و کنترل کند، اما چند روز نگذشت که ایسین جی خود را به جیمز کلی ما مورویزه ریسیس و از مقامات مسئول شورای امنیت ملی آمریکا گام سفیدی ما هدا سنا بر وی فیلپین را در نوبی نیز تکرار کند. در این رابطه است که با زنده شدن "روتا هو" که آگامی راهبر هرات دیکتاتور گره جنوبی به پایان عشترکا با دیکتاتور گره در تکرار و ز آمریکا به ویتنام شرکت داشته است ناگهان تلاء شمیده با زان آمریکا بی بعنوان یک الیرال بیرون می آید و برخی خواستهای سون رژیم را از دیکتاتور مطا لبه می کند. که خود را نا مزد ریاست جمهوری آینده ام کرده است، در کودتای نظامی سال ۱۹۸۰ به روی کار آمدن " چون دوهوان " گردید" ش داشت. وی ابتدا بست فرماندهی های امنیت اجتماعی" را اشغال کرد و پس از زیر کشور دیکتاتور شد، و بلاخره اکتیون کمیته ما زانندهی المیک قرارداد رده قرار سال ۱۹۸۸ در شول برگزار کرد، وی ماموریت نردن نظرات مردم و اما ده کردن کشور برای المیک را - که برای دیکتاتور گره جنبه حیثیتی خواهد داشت - بعهد گرفت به با نروهای سرهنگ با زنده شدن " روتا هو" که بت آمریکا برخورد راست، دقیقاً در جهت نداشتن بین نیروهای اپوزیسیون، جدا کردن عدتل ترا قشار میانی از جنبش خلق ونها یتا ن تا توری گره که سابقه تکبیت با روداغ سنگ م خونین بیش از سه هزار نفر از مردم قیام گوانگ چو" در سال ۱۹۸۰ را بر چهره دارد. با زنجش مردم به عقب نشینیها بی دست زده آزادی نزدیک به ۷۰۰ نفر از زندانیان شول و اجام مذاکرات با برخی رهبران جنبش و... قبیل از هر چیز نشا نگر قدرت جنبش سره است.

بس جیمپو آمریکا نیز جندی پیش طی پیا می به ن دوهوان" ضمن ابراز نگرانی از حصادات جنگ...

تسلیمات هستدای، محوکا مل آنها طبق مذاکرات جدی صورت گیرد. ما از همه این احما یت می کنیم. کنون انجا دشو روی دیگر کشورهای سوسیا لیستی کا هش خطر جنگ هستدای و درگیریهای منطقه ای ی ابتکارا ت بر شما ری را ارایه داده اند. طه با آسیا و اقیانوس آرام، پیشنها دات اتحاد که بوسيله رفیق کار با جف در ولادی وستوک دوستان ارایه شده اند، راه دستیابی ه صلح باید از ترسیم می کنند، ایسین اادات، موردا پیدا است. اطمینان می توان گفت که اتحاد دشو روی و جامعه ای سوسیا لیستی با سدا صلح جهانی هستند. با یان ما با ردیگر توجه بین کنفرانس را به بران و عراق و اتحادتصمیمات قاطع در جهت دادن به آن جلب می کنیم. ما خواهان کردن هر دو رژیم بخاطر بمباران مناطقی نی و حملات مکرر هابی علیه مناطقی کردنش و کشور و گسترش جنگ به خلیج فارس هستیم. رژیم بخاطر آغاز جنگ و رژیم جمهوری اسلامی بدلیل دادن به آن، با بدقاطعانه محکوم شوند. میریا لیستی به خمینی در ادامه دادن جنگ

جاری، "رفتار احتیاط آمیزتری" را به دیکتاتور توصیه کرده است. و در همین رابطه است که کنگره آمریکا نیز قطعنامه ای برای برداشتن گام های واقعی به سوی دموکراسی در گره جنوبی ما در ترموده است.

با بدید چرا امیریا لیسیم آمریکا در برابر تغییرات سیاسی واجتماعی در گره جنوبی با اینهمه حساسیت واکنش نشان می دهد؟ امیریا لیسیم آمریکا شبکه مهمی از پایگاههای نظامی در اقیانوس آرام دارد. رزمنا و های آمریکا بی حدود ۲۰۰۰ سلاح اتمی را در پایا منطقه حمل می کنند و نزدیک به ۱۰۰۰ کلاک هسته ای در انبارهای اتمی آمریکا در گره جنوبی ذخیره شده است. علاوه بر این یک ارتش چهل هزار نفره آمریکا بی در جنوب مدار ۳۸ درجه که دو کره را از هم جدا می کند، مستقر است. با این حساب گره جنوبی یک سرپل غیر قابل چشم پوشی آمریکا در منطقه است که همراه با ژاپن فیلیپین و استرالیا خط مقدم جبهه امیریا لیسیم را در اقیانوس آرام تشکیل می دهد. شما حساسیت های آمریکا در قبال حوادث گره جنوبی تنها م زنگارکها و تمام ما نورهای دموکراسی خواهی عمال آن، تنها و تنها یک هدف اصلی و مهم را دنبال می کنید: حفظ این سرپل استراتژیک در خط مقدم جبهه!

بحران کنونی گره جنوبی تنها یک بحران سیاسی نیست. ریشه های اقتصادی آن در تکنولوژی و صدور سرمایه خارجی بطور عمده آمریکا بی و ژاپنی آن است که در دهه های ۶۰ و ۷۰ رونقی فریبنده بسد اقتضا دگره جنوبی داده بود و از عمل بیماران شده است. رندیک جانیه ما ادوات بیمنابه مسدول پیشرفت اقتصادی گره جنوبی (۳۰٪ تولید ناخالص ملی گره را ما ادوات آن تشکیل می دهد) بیماریهای با زارهای خارجی را به داخل گره منتقل کرده است. بدهی خارجی گره جنوبی به علت وابستگی آن به سرمایه خارجی به ۵۰ میلیار دلار رسیده است. بر تمام این مشکلات با رستگین و کمزورکن هزینه نگه داری و تجهیز ارتش ۶۰۰ هزار نفری راهم با بدافزود که قریب ۴۰٪ از بودجه کل کشور را می بلعد. اکنون که مردم گره جنوبی نه تنها دیکتاتور، بلکه دیکتاتوری و همچنین تکیه گاه اصلی آن آمریکا را جدی تر از همیشه آماج قراردادها اند، گام سفید و رژیم گره با تبلیغ "خطر کمونیسم" همچنان تلاش می کنند خواست های دموکراتیک و تغییرات و تحولات سیاسی واجتماعی و دموکراتیکیز کردن حیات کشور، از جمله وحدت آزادانه دو کره را سرکوب و خفه کنند. حضور نظامی و سیاسی آمریکا در گره جنوبی به عصری بیگانه و مانع دموکراتیز شدن فضای سیاسی واجتماعی گره، و عامل اصلی استقرار و حفظ دیکتاتوری گره و نیز جدایی مصوعی شمال و جنوب شبه جزیره گره در پیش از دهه اخیر توسط امیریا لیسیم آمریکا بوده است. امیریا لیسیم آمریکا حتی مانع اجرای موافقتنامه ترک مخاصمه شمال و جنوب که بنام ساعی سازمان ملل در سال ۱۹۵۲ امضا شد، می گردد. حفظ چنین شرایطی تنها راه تا مین منافع آمریکا است. هر تغییرات منتظره ای استراتژی آمریکا در منطقه را با خطرات زای روبرو خواهد ساخت. رژیم دیکتاتوری که تکیه گاه مهم این استراتژی است امروزه کمک آمریکا و با بهره گیری از کلیه امکانات آن می کوشد تا خود را از این تعرض انقلابی حفظ کند. ولی مبارزه اوج یافته مردم گره جنوبی تا کنون بیش از پیش این تکیه گاه را آسیب پذیر کرده و راه را برای فروریختن آن هموار نموده است.

باری رسانده اند، با بدید جنگ افروزی امیریا لیسیم آمریکا و متحدان نا توبی آن محکوم شود ما خواهان برقراری فوری آتش بس، با زگشت نیروهای دو کشور به مرزهای بین المللی، آغاز مذاکرات بین دو کشور برای حل اختلافات و استقرار صلح دموکراتیک، مرود دشنا ختن توسل بزور در حیل اختلافات و رعایت اصل عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر بوسیله هر دو کشور، هستیم. هر یک از دو طرف جنگ که در ادامه این تراژدی جهانی اموارورزد، با بدیهه طرق مختلف با مجازات جهانی روبرو شود. ما خواهان تبدیل ایران به عامل صلح در منطقه و اشتراک مساعی کشورهای حوزه خلیج فارس و اقیانوس آرام و سراسری برای رفع کانون های تشنج و تضمین صلح در سراسر این مناطق هستیم. مهمترین وظایف و وظیفه همه خلقهای سراسر جهان است. ما خواهان اشتراک مساعی همه خلقها و کشورها برای رفع خطر جنگ از پهنه گیتی هستیم. ما با ردیگر از رفیق زان بین با تموخ، جزب انقلابی و دولت مفلوستان بخاطر حمایت آن در راه تدارک این کنفرانس سیاسی سازی می کنیم و برای مبارزات آن در همه عرصه ها پیروزی های بزرگ، آزومی کنیم

هنر و ادبیات مردمی

در تاریکنا ی این دیار

نه! در هیچ کجا بنجوئیدش جهنم، در زا دگا ه منست. کلکی سیاه بر آسمان سید نقش می تند و روزها تصیده انتظارا به آزی بلند سردا ده اند. پویندگان را در بریا برنطعی بنهاده اند و بر کلو، طاب دار هیچ نمی خواندندشان مگر گهر آه... با ژگونه سپهری که توئی - ای چرخ! زالوهای چسبند هرا نگر بر پیچ گرفتاردها بین سردار. در جا رسوقها با لهای سیاه مرک گسترده ست و آفتاب، در پس پرده ست نه! بنجوئیدش نه در آسمان نه در فراسوی زمین جهنم، در زا دگا ه منست. شمایل دروغین ایلین فرود آمده زما ه بر رخسار خاک شرمگین بر ما ه دیده در ما ه و آدی و آینه می نکود شمایلش ای بد! زینت زندانها، حوسرها و دیار مردگان است ما و مرادین تریه چهره آلودند جا ه لان. اینک اما فرود آمده شمایل بی معجزت شمایل این قومکش بی بدیل که نامش، ورد مرده خوانان و بسندیده گورگان است. نه! در هیچ کجا بنجوئیدش شیطان، در زا دگا ه منست. در تاریکنا ی این دیار سرک به در پیچه های بسته کشیدم سرودختگان، خرنا سه بود و ترسیدگان، بیشتا پیش در تا بوته خفته روسیبا ن حدیث خوان دزدان، مساله گو رویان، عربی دان بودند و در خانه های پنهان انبوه گرسنگان دست برده به قیفه تدبیر که چهره خشمنا، آهن واشک بود و پنا به نوکیشا می دادند که شراب آینده را درنها نگاه می رساندند و به او زگان و کده بر روزنا مه های روشن می دیدند

چهارمین اجلاس آکو، گامی دیگر در راه تحکیم وابستگی

چهارمین اجلاس "سازمان همکاری های اقتصادی" ایران، ترکیه و پاکستان در ۱۷ خرداد ماه سال جاری پایان یافت. مقامات رژیم جمهوری اسلامی در مورد اهداف و نتایج این اجلاس اعلام کردند که چهارمین اجلاس "سازمان همکاری های اقتصادی" که کشور از جهت مختلفی از امتیازات عمده ای برخوردار بود و "نقطه عطفی در تاریخ چهارساله همکاری اقتصادی و سیاسی سه کشور عضو" (لایحه نامه) نامیده رژیم در شورای عالی (ا.ا.ک) خلافت خود نیز در دیداری که با مزدوران کلمه پوش حاکم بر ترکیه و پاکستان داشته ضمن تاکید بر دستاوردهای "مهم" این اجلاس گفت "ما همکاری های منطقیه ای را گنجینه های می دانیم که می توانیم بر اساس آن همکاری های سه جانبه را ارتقا بخشیم" (اطلاعات ۲۰ خردادماه ۶۶). در همین رابطه برخی از دست اندرکاران رژیم، نظریولابستی، به اطلاع است مسلمان رسانند که "این سازمان بعنوان سمبل همکاری ۲۰ میلیون مردم مسلمان سه کشور بوده و سمبل مبارمناسی برای کلیه ملت های اسلامی و ملل محروم جهان است". همچنین در این اجلاس اعلام گردید که هیات نمایندگی های هر سه طرف با تشکیل "بازار مشترک اسلامی" موافقت کردند. سازمان همکاری های اقتصادی که چهارمین اجلاس آن تصمیمات بسیار مهمی را اتخاذ کرده است در واقع همان "آ.ا.سی.دی" است که تحت نام آکوا حیا شده است. بیمن "آ.ا.سی.دی" اتحاد نامقدس دولتهای ارتجاعی سه کشور ترکیه، پاکستان و ایران علیه کشورها و جنبش های انقلابی منطقه و بخصوص اتحاد شوروی بود و به منظور ایجاد همکاری های لازم برای اجرای سیاست های امپریالیسم جهانی، بویژه امپریالیسم آمریکا در منطقه ایجاد گردیده بود. "سازمان همکاری های اقتصادی" (آکو) نیز که امروز جایگزین "آ.ا.سی.دی" گردیده است، در راستای تحقق همان اهداف "آ.ا.سی.دی" پیش می رود، هر چند که مقامات رژیم در باره اهداف تشکیل این سازمان عوام فریبی می کنند و آنرا مقابله با "بحرانهای اقتصادی" و تأمین "خودکفایی" معرفی می کنند، مکت بر روی ماهیت رژیم های بنیاد ارتجاعی ترکیه و ایران و پاکستان و موصوبه های اخیر اجلاس فوق (هر چند که بسیاری از تصمیمات اجلاس اعلام نگردیده و فقط به ذکر کلیات اکتفا شده است) افتخار دعا های دروغین حکومت فقها است. آخوندهای مکاری کویند که مصوبات اجلاس چهارم آکوادای می کلیه امپریالیسم است. اتحاد سه جانبه با ترکیه، کشوری که در تمامی زمینه ها وابسته به امپریالیسم جهانی، بویژه امپریالیسم آمریکا است، خود یکی از اعضای بیمن نظامی "نا تو" است و بیثباته یکسری از مهمترین بازیگام های نظامی "نا تو" نیز شماری رود و رژیم فیه الحق که زاندارم امپریالیسم در منطقه است، همکاری آشکارا با امپریالیسم جهانی است نه اقدام علیه آن.

یکی از مضمون های "این اجلاس" برقراری سیستم تعرفه های ترجیحی بین ایران، پاکستان و ترکیه است که دست اندرکاران رژیم تنها به "ملحلت" خود نیندند در باره آن سخن بگویند بلکه با هیاهو حول "بازار مشترک اسلامی" و عوام فریبی روی "جنبه اسلامی آن" خواستند مطرح شدن بیشتر آن جلوگیری کنند. این وظیفه را عبدالستار ربیبی هیات نمایندگی پاکستان سعه گرفت و در باره اهمیت این مضمون چنین گفت: "هم ترین تصمیم اجلاس جاری برقراری یک سیستم تعرفه های ترجیحی بین ایران و پاکستان و ترکیه بود که با هدف گسترش همکاری های اقتصادی در زمینه های صنعتی، بازرگانی و کشاورزی پایه ریزی گردید" (رسالت ۲۰ خردادماه ۶۶) بنابر ترتیب طبق این تصمیم، باید که در زیرمیان مالیاتهای گمرکی کالا های وارداتی و صادراتی کشورهای مزبور کاهش خواهد شد و هر کدام از این کشورهای با شرایط با هم متفاوتی کالاهای خود را وارد بازار کشور طرف معامله خواهد کرد. روشن است که سود حاصل از این "تعرفه های ترجیحی" قبل از همه به جیب بورژوازی وابسته ترکیه و پاکستان و به جیب انحصار آت امپریالیستی خواهد رفت. چرا که امکان دولت ترکیه با کاسته شدن مالیات گمرکی، بسیاری تسخیر پیش از پیش با زار ایران بوسیله کالاهای امپریالیستی افزایش خواهد یافت. دلیل این امر قبیل از همه در عمیق است که میان ما در ادات و اردات جمهوری اسلامی ایجاد شده است. بطوریکه بنا به اعتراف مسئولان طراز اول رژیم، ارزش

شرط دانشجوی شدن در جمهوری اسلامی

در ۲۸ خرداد ماه، کنکور سراسری دانشگاه های و موسسات آموزش عالی در سراسر کشور برگزار شد. در کنکور امسال نزدیک به ۵۵۰ هزار نفر داوطلب ثبت نام کرده بودند که از میان آنها جمعا ۶۰ هزار نفر برنده دانشگاه ها راه خواهند یافت.

در نگاه اول چنین به نظر می رسد که از میان هر ۱۰ نفر داوطلب، ۱ نفر از مستعدترین و آماده ترین آنها می تواننده دانشگاه راه یابند، اما آیین نامه شورای عالی انقلاب فرهنگی "بلافاصله می گوید که چنین محاسبه ای خطاست. یک سوم ظرفیت هر دانشگاه بر اساس آیین نامه به هیات های وابستگان فرصت طلب و مزدور دستگاه خلافت خودی از سپاه، بسیج، کمیته، بنیاد نهضت و غیره اختصاص دارد. اما واقعیت آن است که سهمیه تعیین شده در این آیین نامه هنوز رعایت مرجعین حاکم را فراهم نکرده است. مدیرکل گزینش دانشجویان ۱۶ مرداد سال پیش اعلام کرد: "برای داوطلبانی که از کاندید شدن در جهت شرکت در جبهه های حق علیه باطل اعلام کنند، سهمیه جدیدی برای راهیابی به دانشگاه ها با شانس قبولی بیشتر در نظر گرفته شد". سپس مضمون گردید که اگر کسی فرم سه ماهه تعهد در جبهه را بر کند، ۲/۵ برابری شانس قبولی دارد و اگر فرم ۶ ماهه را بر کند، سه برابر شانس قبولی خواهد داشت. همزمان با این مضمون، سپاه با ساداران نیز با انتشار اطلاعیه "اعطای امتیاز به داوطلبین اعزام جبهه"، تعداد دیگری را به سهمیه های جدید افزود. ۱۶ خرداد ماه سال جاری آخوند رحمانی در مصاحبه با روزنامه ها گفت: "کلیه رزمندگان بسیجی که ۳ تا ۶ ماه تعهد خود در جبهه را داده اند، پس از شرکت در کنکور، با در نظر گرفتن اولویت، به دانشگاه راه خواهند یافت. همانگونه که در سال گذشته ۸ هزار نفر از بسیجی های شرکت کننده در کنکور با توجه به اولویت در نظر گرفته شده وارد دانشگاه شده اند، امسال داوطلبان بسیجی شرکت کننده در کنکور ۴۰ هزار نفری باشند، یعنی تا اینجا ۵۰ درصد از ظرفیت دانشگاه ها هم به سهمیه بسیجی ها و داوطلب جبهه اختصاص می یابد. و برآخیر فرهادی وزیر فرهنگ و آموزش عالی در رژیم قرون وسطایی فقها خیال همه را راحت کرد و آب پاکبی را روی دست جوانانی که در زمره "اهل مکتب نیستند ریخت و گفت: "من به عنوان وزیر فرهنگ و آموزش عالی اعتقاد دارم، صدر مد نظر نیست دانشگاه ها باید از میان کسانی باشد که جبهه و جنگ را دیده و با این اعتقاد خود را به اسلام عمل نشان داده باشند. باید ووری شویم که اگر احیاناً سهمیه ای برای غیر بسیجی ها و افراد غیر وابسته به ارگان های حکومت آخوندی باقی بماند، تازه هفت خوان تحقیق و تفحص عقاید بر سر راه هستند که ما حیران اندیشه غیر مکتبی، سالم و ترفیخواه را تصفیه کنند. معاون پارلمانی وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۱۹ اردیبهشت ماه امسال گفته بود: "صلاحیت شرکت کنندگان در کنکور توسط منبع جداگانه ای بررسی می شود و علاوه بر آن از منبع دولتی هم کسب نظر خواهد شد، و چنانچه با سهمیه

اطلاعات بیشتری نیاز باشد از طریق معرفی هم داوطلب پرونده تکمیل خواهند شد. روشن است منابع فوق الذکر همانا ساواک خینی و ارگان رتکارنگ اطلاعات رژیم اند. ملاهای مکار با چنین تصمیماتی از یک طرف می کوشند تا جوانان بیشتری را به امید و روی دانشگاه به جبهه های بی باک زکشت بکشانند و بر این بدینسان را بطور "داوطلبانه" و با وعده و دانشگاه در راه اهداف کثیف خود بر باد دهند، سوی دیگر قصد آن دارند که دانشگاه را به هر چه بیشتر از زنا سر مستعد و خوش فکر خالی کنند و مزدوران و کم شعور، بی سواد و فرصت طلب خویش را به مراکز آموزش عالی بفرستند، به این ترتیب خیال دا تا از شر "دانشگاه" و بیثباته مرکز علم و پژوهش و سنگرزاد دیکوهای و آزاداندیشی خلاص شوند. خصم ریحا این مقصود را در جمله زیر فرموله کرده است: "همه گرفتاریهای ایران از دانشگاه ها سرشور شده است".

نتایج چنین نقشه فیلدانه ای و آلا آن است که دانشگاه عملکرد خورا بیثباته مرکز تربیت کار دره متخصص که ساختمان و پیشرفت جامعه راه های می کنند، از دست می دهد (در این مورد البته آخوندها را هیچ جای نگرانی نیست چرا که آنها به ساختن تکامل که به ویرانگری و عقیدت قرون وسطی می اندیشند). ثانیاً هزار جوانی که استعداد و صلاحیت علمی دارند و نمیخوا که به جاسوسی و مزدوری تن به خفت و خواری دهند یا در جبهه های جنگ بی معنا بمیرند از آموزش عالی محروم می شوند و به صفاکاران، سربازان بی خاندنشیا ن می پیوندند. اما هم چنین وضعیت بی آینده و پوچی را در میان دهها هزار دانش آموستاق و مستعدی دان می زند که به امید تحصیل عالی، مشغول به تحصیل اند. زیرا از هم اکتب می بینند که شانس برای ورود به دانشگاه ندارد ما استادان، کارکنان، دانشجوان و همه صفا فرهنگی و آموزشی متعهد کشور را فراموش می کنند تا علیه ضوابط فاشیستی کنکور دانشگاه ها و مداخله ساواک خینی در گزینش دانشگاه ها اعتراض کنند در جلسات و سمینارهای مختلف در مورد عقب انداختن از تحای روش فاشیستی، سازماندهی و میان بین الصلی دبیلاج را از این جنابیت فرهنگ مطلع سازند و خواهان اعتراض و اعمال فشار آنت برای توقف این سیاست های قرون وسطی می شوند. جوانان داوطلب ورود به دانشگاه ها نیز که ح مسلمانی با این خودکامی های رژیم خمینی با بحال می شود، با پیدا اعتراضات وسیعی را بر سر "لغو سهمیه نهادهای ارتجاع و با بیان داد دخالنت ساواک در گزینش دانشجویان" سازمان دهند همراه با خانواده های شان به همه مراجع ذیرب (از وزارت فرهنگ و آموزش عالی تا مجلس و مطبوعات) مراجعه کنند. با تحصن، جمع آوری طومار و نوشتن نامه های اعتراضی در جامعه آفاگری کنند و در جلب وسیع افکار عمومی جامعه، مسئولین مرتجع حکومتی را زیر فشار بگذارند تا به مردم پاسخ دهند تصمیمات ارتجاعی شان را پس بگیرند. باید با سازماندهی اعتراض و مقاومت همگان رژیم را از ادامه بیبندسیهای جنایتکارانه و فخر فرهنگی اش بازداشت

با جمع آوری کمک های مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

آدرس: P.O. BOX 1091 WIEH AUSTRIA
حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN SAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARNER

کالاهای صادراتی غیر نفتی در سال گذشته ۶۲/۶ میلیارد ریال یعنی معادل ۹۰۰ میلیون دلار بوده است، که در مقایسه با میزان کالاهای وارداتی، آنقدر رقم ناچیزی است که می توان آن را صرف نظر کرد. اگر در نظر بگیریم که حجم صادرات جمهوری اسلامی تنها با رژیم ارتجاعی ترکیه بیش از ۲ میلیارد دلار در سال جاری است، به راحتی می توان دریافت که جمهوری اسلامی چگونه ایران را به حراج گذاشته و ثروتهای جامعه و دسترنج زحمتکاران میهنان را بر باد می دهد. در این اجلاس همچنین تصمیم گرفته شد که کشور - ما در عضو "آکو" مکانات صنعتی و تکنولوژی موجود خود را در یک سیستم مملو شده ها تکمیل کرده و یک صنعت کامل را با همکاری های سه جانبه بوجود آورند. ایجاد بانک توسعه و سرمایه گذاری آکو، شکه حمل و نقل چند جانبه خدمات استی و بیمه های همکاری های خطوط مخابراتی از دیگر مضمونهای مهم اجلاس اخیر بود. به این ترتیب تا رتعمکوت وابستگی اقتصادی، کشور به امپریالیسم جهانی

بیش از پیش تنیده می شود. زیرا معنای واقع مملو کردن امکانات صنعتی و تکنولوژی کشورهای ترکیه و پاکستان، تحکیم هر چه بیشتر وابستگی اقتصادی جمهوری اسلامی به امپریالیسم جهانی است. بنا بر این برخلاف عوام فریبی های مقامات حکومتی، تشکیل "سازمان همکاری های اقتصادی" و مضمونهای زیردست آن هدفی جز تحکیم هر چه بیشتر وابستگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای امپریالیسم جهانی ندارد. و دولتهای ارتجاعی ترکیه و پاکستان و ایران از طریق همکاری با یکدیگر با غارت دسترنج مردم هر سه کشور و با تأمین منافع بورژوازی خودی، و انحصاران امپریالیستی بیش از پیش ماهیت ارتجاعی خود را نشان گذاشته اند. هم میهنان ما مردم کشورها، ترکیه و پاکستان مخالف این "همکاری" وابستگی آفرین و ضلمتی بوده و برای از هم پاشیدن این اتحاد نا مقدس تلاش می کنند.

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!